

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران*

صورت مشروح مذاکرات جلسه علنی روز یکشنبه پانزدهم تیرماه ۱۳۵۹

فهرست مندرجات

- ۱ - اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقایان موسوی خراسانی و محمد تقی بشارت، کیاوش.
- ۲ - طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبارنامه‌های آقایان مطهری و اسدالله جوانمردی و رد اعتبار نامه آقای اسدالله جوانمردی.
- ۳ - پایان جلسه.

جلسه ساعت نه و بیست و دقیقه به ریاست آقای دکتر یدالله سجایی تشکیل شد

۱ - اعلام رسمیت جلسه و بیانات قبل از دستور آقایان موسوی خراسانی، محمد تقی بشارت، کیاوش

رئیس - بسم الله الرحمن الرحيم. جلسه رسمی است، چند مرتبه است که آقایان راجع به تلاوت آیاتی از قرآن در آغاز جلسه تذکراتی میدهند و امروز هم آقای هراتی قبل از رسمیت جلسه راجع به این موضوع تذکری دادند، بنده آنوقت نمیخواستم جوابی عرض بکنم و حالا که جلسه رسمیت دارد، عرض می‌کنم، اولاً مسأله تلاوت کلام الله یعنی شروع کار با نام پروردگار را خود بنده موظفم که این کار را بکنم و مسلم است که همیشه ما در فکرش هستیم و بنده هم خیلی شائق هستم و میدانید که شخصاً چه علاقه‌ای در این خصوص دارم، اما چون یک مطلب جدیدی است و یک موضوع تازه‌ای است و یک وضع خاصی میخواهد در مجلس مجرا بشود، بنده بسیار طالب و مشتاق هستم که آن طوری که شایستگی این تلاوت و قرائت است رعایت بشود و منتظرم آئین نامه مجلس برسد و آقایان مطالعه کنند. مخصوصاً در کمیسیون تدوین آئین نامه این موضوع مطرح بشود تا شایستگی این تلاوت رعایت بشود والا اگر مثل مجالس معمولی این کار را برگزار کنیم و آنطوریکه باید مقدماتش فراهم نشود زیرا آیاتی که تلاوت میشود باید تناسب داشته باشد و مطلب روز گفته بشود میدانید که همه این مسائل را باید در نظر گرفت و شما مسبوق هستید که هر کلام و هر آیه‌ای از قرآن مجید، از نظر تذکر ذهنی، از نظر ایجاد تنبیه و تنبه مؤثر است بنابراین ما این نکات را باید رعایت بکنیم و برای این کار کمیسیون تدوین آئین نامه باید شرایط لازم و اجرای مراسمی که شایستگی این تلاوت را داشته باشد مطالعه بکنند و عرضه بکنند تا جزو شرایط و رسوم مجلس قرار بگیرد. والا این قسمت را که من تا کنون عمل نکرده‌ام برای این است که این یک مسأله تازه‌ای است والا بنده خیلی مشتاق هستم منتها لازمه احترام و لازمه تلاوت کلام الله اجرای شرایطی است که باید اجرا و معمول بشود که اثر مطلوب تر و اثر عمیق تری داشته باشد این است که فعلاً آقایان باین اندازه که من شخصاً با نام پروردگار کار جلسه را شروع میکنم اکتفا بفرمائید تا این موضوع در کمیسیون تدوین آئین نامه به موقع خودش مطالعه بشود و شرایط لازم آن را عرضه بکنند که در جلسات رسمی بعد آنطور عمل خواهد شد آقایان توجه داشته باشند که این چیزی نیست که من بخواهم در این خصوص مقاومت داشته باشم و با اینکه چند مرتبه تذکر داده‌اید نخواهم این کار بشود که زیراروجیه و فکر و منش و وجود من با قرآن بستگی دارد و حداقل حالاً من نمیخواهم خودم را به شما معرفی کنم، چون چند مرتبه این نکته را تذکر داده‌اید که در موقع بی‌کاری قرآن تلاوت شود، آقایان باید توجه بفرمائید که چون میخواهند در مسائل اساسی مملکتی بحث و

فحص کنند باید آمادگی فکری، آمادگی ذهنی داشته باشند و خودشان را آماده کنند و حضور ذهن داشته باشند. چه بی‌کاری؟ شما همینقدر فکر داشتن به اینکه چه موضوعی را امروز میخواهیم مطرح کنیم و متأسفانه هنوز وارد نشده‌ایم و داریم یک دوره خاصی را در مجلس میگذرانیم و مجبور شده‌ایم که باید منتظر بشویم تا شورای نگهبان آماده بشود و آئین نامه معین بشود. این است که وقت مجلس میگذرد و مردمی که اطلاع ندارند دائماً میپرسند که چرا مجلس تشکیل میشود و به یکی دو تا سخنرانی و تصویب اعتبارنامه سپردازد البته حق هم دارند ایراد بگیرند به اینکه ما منتظر شدیم مجلس تشکیل بشود و یکی دو تا اعتبارنامه تصویب بشود. خوب، چه باید کرد؟ ما کاری نمیتوانیم بکنیم و باید وقتمان را صرف این همه مطالب پراکنده و احياناً تصویب یکی دو تا اعتبارنامه بکنیم. خود آقایان هم باید سعی بفرمایند که مردم را، مردمی که آمادگی و اطلاع ندارند مطلعشان بکنند، آگاهشان بکنند که چرا مجلس وارد کار نمیشود، چه محظوری داریم؟ این مسأله به موقع خودش مطالعه می‌شود.

عسگر اولادی مسلمان - آیا دستور مجلس همین چیزی است که میفرمائید؟
رئیس - خیر، این مطلب را بنده من باب تذکر آقای هراتی عرض کردم، وارد دستور میشویم و نطق قبل از دستور شروع میشود سه نفر از آقایانی که ثبت نام کرده‌اند به ترتیب اولویت تشریف بیاورند و صحبت کنند.
انصاری (منشی) - بسم الله الرحمن الرحيم، آقای موسوی خراسانی بفرمائید.
رئیس - پنج دقیقه صحبت بفرمائید.

موسوی خراسانی - بسم الله الرحمن الرحيم. حجاب خواسته یک است، این روزها مسأله حجاب و پوشش زن، زن مبارز و انقلابی ایران مطرح است، لذا میخواهم دقایق کوتاهی سخن خود را با این موضوع اختصاص دهم، مسأله حجاب یکی از مسائل مسلم اسلام و قرآن است به گونه‌ای که هیچ فرد آگاه و مطلع نمیتواند آن را انکار کند هر چند که ممکن است در مصداق آن و اینکه پوشش اسلامی، چه پوششی میتواند باشد تفاوت نظر وجود داشته باشد و انگهی مسأله حجاب و پوشش زن تنها به عنوان یک مسأله مذهبی مطرح نیست بلکه به عنوان یک پدیده اخلاقی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز مطرح است و زنان ما باید توجه داشته باشند که اگر در رژیم‌های گذشته مسأله بی‌حجابی در اجتماع عنوان شده است نه باین جهت بوده که آنها کراست و ارزشی برای زن قائل بوده‌اند و یا میخواسته‌اند حقوق از دست رفته او را به اصطلاح بازپس بگیرند بلکه این مسأله مستقیماً در رابطه با سیاست استعماری بیگانه مطرح بوده و آنها میخواسته‌اند از زن به عنوان یک عامل استعمار، استثمار، استفاده کنند و



خویشتن داری کنند و دردهای آنرا بازگو بکنند. مسأله سمیرم و حمله مهاجمین و اشرار به سپاه پاسداران و شهادت پنج تن از پاسداران و گروگان گیری عده‌ای از افراد جهاد سازندگی و مردم اسیر و ستمدیده عشایر را کم و بیش در روزنامه‌ها خوانده‌اید. مسأله مهمتر این است که تاکنون هنوز اقدامی صورت نگرفته و بنده هم براساس آنکه ابتداء سعی میکنم مسؤولین خودشان کارها را انجام بدهند صحبتی نکردم ولی دیروز حدود سی نفر از نمایندگان عشایر و مردم ستمدیده آنجا آمده بودند و میخواستند اقداماتی انجام بدهند که فعلاً صلاح نیست و من خواستم که مطالبی را به محضر نمایندگان محترم و ملت ایران برسانم منطقه سمیرم منطقه فوق العاده حساسی است، مخصوصاً پای همان کوه که به پای دنا معروف است حدود شاید پانزده هزار نفر جمعیت آنجا هستند که پشت یک رودخانه زندان شده‌اند آنجا آدمی هست که شاید حدود پانزده سال است که هنوز به نزدیکترین شهری که آنجا است نیا شده است علتش این است که راه ندارند و زن و مرد را مثل گوسفند، که بین آنان مخصوصاً زنان باردار، مریض هم هستند توی ماشینهای کمپرسی میریزند و از رودخانه یا یک تشریفات مخصوصی که ان شاء الله بعضی از نمایندگان تشریف می‌آورند آنجا و می‌بینند از آب به اینطرف می‌آورند برای اینکه باز متوجه بشوید یکی از اشیاء ضروری حیات که نمک است و شاید ارزانترین چیز در مملکت ما باشد. نمک در آنجا کیلویی چهار و پنج ریال تمام میشود پنج ریال قیمت خود نمک است و چهل ریال کرایه‌اش میباشد که فقط از اینطرف آب به آن طرف می‌برند حالا حساب چیزهای دیگر را بکنید، بهرحال من در مدتی که برای انتخابات آنجا رفتم با قاطر و استرو این قبیل چیزها مسافرت میکردم ولی با نداشتن جاده و با فقری که دست به گریبان آنها است و با مشکلات دیگری که هست کارکنان دولت به آنجا نمیروند چون وسیله نیست، از خیر و شرمه اینها گذشتند الان مسأله مهم برای آنها امنیت است زیرا عده‌ای از اشرار با تحریکات خوانین که آیه الله منتظری هم اشاره فرمودند، شروع به کارها و فعالیت‌هایی کرده‌اند که من چون بعدها باید فریاد این مردم را برسانم و مسؤولیت خودم را انجام بدهم. الان به محضرتان عرض میکنم از اینکه وقایعی در آینده صورت خواهد گرفت که همه شما خواهید فهمید که چرا بنده دادزدم، جهاد سازندگی را تعطیل کردند، افراد جهاد سازندگی را به گروگان گرفتند. شکنجه دادند یکی از آن افراد را داغ کردند و پنج نفر پاسدار را در یک تنگه‌ای به نام تنگه جلو که الان به تنگه شهید مشهور شده‌شده‌اند اینها فقط جرمشان این بوده که مقداری آذوقه و وسایل را برای پاسداران به آنطرف رودخانه یعنی پای دنا سپردند که غافلگیر شدند و متأسفانه باید این را عرض کنم که واقعا ما داریم باورمان از بعضی از مسؤولین سلب میشود زیرا وقتی در روزنامه می‌بینیم که وزیر امور خارجه آن چنان بی تفاوت و آن چنان کم لطف نسبت به رسیدگی به وضع به اصطلاح سفارت ایران در ابوظبی است ما دیگر باید حساب کارهای دیگر را هم بکنیم که چرا دو پاسدار که تیر به رانشان خورده و روی زمین افتاده‌اند، وسیله هوایی برایشان نفرستاده‌اند و به‌دادشان نرسیده‌اند و بعد پاسداران دیگر این عزیزان را روی دوش گرفته و از این بیمارستان به آن بیمارستان می‌برند و آدمی که میشد نجاتش بدهند روی دوش پاسداران به شهادت رسید و تاکنون هم اقدام مؤثری صورت نگرفته است فقط یکی از مسؤولین وزارت کشور آنها را با هلیکوپتر، تشریف برده‌اند آنجا ده دقیقه آنجا مانده‌اند و بلافاصله برگشته و یک مصاحبه‌ای کرده است که یک سوء تفاهمی شده است.

رئیس - آقای بشارت وقت شما تمام است.

بشارت - اگر اجازه بدهید بنده پنج دقیقه دیگر صحبت کنم.

رئیس - پنج دقیقه که خیر ولی مختصر بفرمائید.

بشارت - چشم، حالا وضع آنجا را بگویم مردم آنجا مردمی هستند عشایر اصیل، پاک، آماده برای دفاع از جمهوری اسلامی، اما الان مانده‌اند که چه بکنند، از یکطرف خوانین تحریک میکنند اول باتفنگ پوزپر که آنجا معروف است به پاسداران حمله کردند. بعد هم برنو و اخیراً با کلاشینکوف و دقیقاً الان دارای بی سیم‌های قوی شده‌اند یعنی بلافاصله ارتباط از کردستان با آنجا برقرار شده است.

رئیس - آقای بشارت تکرار میکنم شما دو دقیقه بیشتر از وقتان هم صحبت کردید خواهش میکنم زودتر به بیاناتتان خاتمه بدهید که از این بابت هم استثناء نشود.

استفاده هم نمودند و باین منظور زن را از محیط خانه و محل کار مناسب با وضع زننده‌ای به کوچها و خیابانها و پارکها و تفریحگاهها و مراکز عمومی کشیدند تا توجه جوانان و غیر جوانان را به آنان جلب و نتیجه افکار و اندیشه‌های آنان را از عنایت به مسائل اساسی اجتماع باز دارند و سرگذشت دردناک اسپانیا تجربه بسیار گویایی برای ملت ما است اسلامی میباشد. برادران و خواهران به یاد دارند که قبل از شروع انقلاب پدران و مادران از فساد و بی بندوباری و عصیان و طغیان نسل جوان به ستوه آمده بودند و همواره از آنها باین سوی و آن سوی شکوه می‌بردند ولی همینکه انقلاب شروع گردید همین جوانان بجای عشق‌بازی و هوسرانی به مبارزه و جهاد پرداختند و این افتخار را نصیب ملت ایران کردند که نظام منحط شاهنشاهی را از ریشه وین برانداختند و نظام جمهوری اسلامی را جایگزین آن ساختند پس مسأله حجاب صرفاً از دیدگاه مذهب مورد بحث و نظر نیست بلکه از دیدگاههای مختلف مورد سخن و گفتگو میباشد و در حال حاضر هم مخالفت با حجاب از سوی ایادی و عوامل استعماری دنیا و مخصوصاً آمریکا دامن زده میشود و کسانی علیه پوشش اسلامی دست به تظاهرات و راه‌پیمائی می‌زنند که خود فروختگان قبلی و توطئه‌گران فعلی میباشند و در میان آنها رقاصه‌ها و هنرپیشگان و ناموس فروشان به چشم می‌خورند من به پاس حرمت مجلس نمیخواهم هویت واقعی این زنان را روشن سازم و یا از آنها نامی ببرم شما با مراجعه به روزنامه‌ها به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی میتوانید ماهیت واقعی آنها را درک کنید البته این نکته نیز قابل یادآوری است که برخی از شرکت کنندگان بی گمان اغفال شده بودند و ناآگاهانه آلت دست عوامل آمریکایی بخت برگشته شدند و گرنه خود میدانند که برای یک زن مسلمان انقلابی اینگونه اعمال و برنامه‌ها مناسب و شایسته نیست در اینجا سخن خود را پایان داده چند ماده را اعلام میکنم:

۱ - من به عنوان یک نماینده ملت از خواهران کارمندی که با رعایت حجاب اسلامی به محل کار خود وارد شدند صمیمانه سپاسگزاری مینمایم.

۲ - من به عنوان یک نماینده ملت از سایر خواهران کارمندی که هنوز نتوانسته‌اند خود را با خواسته ملت تطبیق دهند میخواهم هر چه زودتر باین خواسته مشروع و منطقی مردم که با راه‌پیمائی میلیونها نفری خود در روز جمعه آنرا اعلام نمودند پاسخ مثبت داده با پوشش اسلامی به محل کار خود حضور یابند.

۳ - من به عنوان یک نماینده ملت از عموم خواهران ایرانی میخواهم که به شهیدان به خون خفته خود و معلولین همیشه درد کشیده ورنج دیده خویش اندیشیده با حفظ متانت و وقار خود نهال نوپای انقلاب را آبیاری نمایند.

۴ - من به عنوان یک نماینده ملت از وزراء، رؤسا، مدیران کل، سرپرستها و کلیه مسؤولین در سراسر کشور میخواهم که در صورت مشاهده خلاف از یک زن کارمند در رابطه با حجاب به فوریت و قاطعیت مجازات لازم را در مورد او اعمال نمایند و در غیر اینصورت آن فرد مسؤول مورد استیضاح قرار خواهد گرفت.

۵ - من به عنوان یک نماینده ملت از مقامات مسؤول مملکتی مؤکداً میخواهم که قاطعانه در اجرای طرح حجاب اسلامی نسبت به کارمندان زن مقاومت و ایستادگی کنند و گرنه در خانه ملت و در پیشگاه ملت به استیضاح و سپس به محاکمه کشیده خواهند شد.

۶ - من به عنوان یک نماینده از مسؤولین امور میخواهم که با طرح مسأله حجاب از تصفیه و پاکسازی ادارات و تغییر نظام فاسد اداری و بوروکراسی و کاغذ بازی و کم کاری غفلت و فراموشی نمایند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

انصاری - قبل از اینکه اسم نفر دوم خوانده بشود مرتباً آقایان نوشته‌هایی میفرستند و تقاضای نطق قبل از دستور میکنند توضیحاً عرض کنم که برای گرفتن نوبت صبح زود باید آقایان تشریف بیاورند و در تابلوی مخصوصی که جلوی در ورودی نصب شده نوبت بگذارند و هر روز سه نفر از کسانی که اول وزودتر از همه تشریف آورده‌اند و اسم نوشته‌اند تشریف می‌آورند و صحبت خواهند کرد بنابراین تقاضای نوبت‌ها امروز پذیرفته نیست. آقای محمدتقی بشارت بفرمائید.

محمد تقی بشارت - بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین. البته برای نمایندگانی که از متن توده‌های مستضعف و ستمدیده برخاسته و مسؤولیت دفاع از حقوق و حیثیت و مکتب آنرا به عهده گرفته‌اند خیلی مشکل است که



در هواپیما پیاده بشود و سروصدا بلند میشود و من پاشدم رفتم بینم چه خبر است، دیدم پاسدار میگویی آقا فقط ما یک تذکری دادیم اطرافیانش که در حدود بیست نفر بودند و موضوع را شنیدند و اهانت خانم خدمه را شنیدند میگویند این پاسدار فقط یک تذکری داده است و اغتشاشی در بین نبوده است اما خلبان اصرار میکند که یا باید این پاسدار پیاده بشود و یاسن حرکت نمیکنم از رئیس فرودگاه و رئیس انقلاب اسلامی زاهدان که در همان هواپیما بود که گویا آقای کشفی نامی است تقاضا میشود که آقا چیزی نبوده مسأله را بزرگ نکنید در حال حرکت نمیکنند و پنج ساعت تمام هواپیمای بوئینگ را معطل میکنند که حتماً باید پاسدار بیاید، پاسدار تقاضا میکند که اگر من اغتشاش کرده‌ام رئیس دادگاه انقلابی زاهدان بیاید و من و خدمه را پیاده بکنید که حداقل رسیدگی بشود، آقا حاضر نمیشود و بدون نهار بدون آب و نان در حدود دو ساعت و پنجاه نفر کم و زیادش را درست در نظر ندارم. و این آمار دقیقی نیست پیاده کرده است و پنج ساعت بی‌آب و نان مانده‌اند حتی بعد که با اصرار تمام خواهش کردیم آقا حرکت کن بیشتر از پنج ساعت معطل نکن ممکن است اشخاص مریض باشند چون بچه‌های پنج شش ماهه هم بودند که خبرنگار هم آمده و گفته چند بچه پنج شش ماهه بودند که ممکن بود در آن گرمای زاهدان تلف بشوند آقا باین شرط حرکت کرده است که چون این پاسدار دارد به یزد میرود من یزدنمیروم و مسافری یزد را هم برداشته آورده به تهران و در تهران پیاده‌شان کرده است، میخواهیم این چند میلیون ضرری که به هواپیما زده است از نظر اقتصادی یک مسأله‌ای خیلی ساده‌ای نیست باید جوابش را بدهد ولی اگر این تردها مرتب صورت بگیرد و یک خلبان بتواند یک هواپیمای بوئینگ را پنج ساعت متوقف بکند وضع مملکت به کجا خواهد رسید تقاضا دارم رسیدگی بشود.

رئیس - رسیدگی میشود.

سید یوسف عرفانی - به چه صورت رسیدگی میشود؟

رئیس - به مقامات مربوط گزارش میدهند، بفرمائید آقای کیاوش.

کیاوش - مخصوصاً آقا این اصرار می‌کرد چون پاسدار است باید پیاده شود، دخالت بیجا کرده است، پاسدار میگوید آقا من پلیس که نیستم، پاسبان نیستم من فقط یک تذکره دادم یک امر به معروف برای استتال امر امام کردم پاسدار گفته است برای اینکه هواپیما معطل نشود من میروم پائین ولی همه این دو ساعت و چند نفر همه به عنوان اینکه پاسدار حرف حق میگوید، همه از هواپیما پائین آمدند،

رئیس - آقای کیاوش شما مشخصات آن خلبان را التفات کنید از طریق هیأت رئیسه ابلاغ خواهد شد.

سید یوسف عرفانی - مدیر عامل هواپیمائی ملی باید بیاید اینجا و توضیح بدهد.

رئیس - اینجا که خیر ما میفرستیم آقا رسیدگی می‌کنند.

کیاوش - اصلاً حاضر نشده است مصاحبه بکند، خبرنگار پارس و رادیو و تلویزیون زاهدان آمدند با او مصاحبه بکنند گفته من جواب مصاحبه را نمیدهم ولی با مسافری مصاحبه کرده‌اند که نوارش هم هست.

رئیس - بسیار خوب هرچه هست لطف کنید، اسامی غائبین جلسه گذشته قرائت میشود.

(به شرح زیر قرائت شد)

دکتر دیالمه - بسم الله الرحمن الرحيم. غائبین روز سه شنبه ۱۳۵۹/۴/۱۰ آقایان حسینعلی رحمانی - علی اکبر معصومی - عبدالکریم شرعی - حسین هاشمیان - محمد علی موحدی - خسرو قشقائی - محمد جواد حاجتی کرمانی - بهرام تاج گردون - محمد خلیلی - محمد علی منتظری نجف‌آبادی - محمد مجتهد شبستری - مصطفی چمران - عبدالحمید آقارحیمی - محمد جواد باهنر - اسحاق فرهمند پور - سید احمد مدنی - مصطفی فومنی حائری - مجید انصاری - علی معرفی زاده - فضل الله صلواتی - فخرالدین حجازی - سید ابوفاضل رضوی اردکانی - جمعاً بیست و دو نفر.

موحدی - آقا بنده بودم.

صلواتی - من هم بوده‌ام.

چند نفر از نمایندگان - آقا، ما هم بوده‌ایم.

دکتر دیالمه - لیست امضاءهای شما اینجا هست، اینها مال امروز

نیست آقا، مال روز سه شنبه ۱۳۵۹/۴/۱۰ است.

بشارت - چشم، و این وضع خطرناک است، از یک طرف یک خان زاده هم با عقاید مارکسیستی که قبلاً هم در ساواک پرونده‌ای داشته است به دفاع از خلق اموال چه خان و چه غیرخان، هرکس چیزی دارد مصادره میکند. یک نامه‌ای هم مینویسد و به آنها میدهد تحت عنوان «به نام خدای مستضعفین اموال شما را گرفتیم تا ان شاء الله بعد با هم حساب بکنیم». البته این کار..... رئیس - این قسمت را روز دیگری بفرمائید.

بشارت - چون طبق ضوابط اسلامی نیست نتیجه‌اش این میشود که همه را بهم میریزد، من از برادران خواهش میکنم که اگر امکان دارد چند نفر از نمایندگان قبول بکنند بجای اینکه می‌خواهند به کردستان بروند تشریف بیاورند برویم آنجا و از نزدیک وضع این مردم فلک‌زده را ببینند و برای امنیت آنها فکری بکنند (زنک رئیس) و سایر مشکلات آنها را هم باید بررسی کرد، مخصوصاً اگر یک گروه ویژه‌ای از دادگاه برود هم برای محاکمه عده‌ای که دستگیر شده‌اند، هم به وضع آنجا رسیدگی بشود، چون وقت نیست عذر میخواهم. و اسیدوارم برادران این همت را بکنند.

رئیس - سه دقیقه دیگر به وقت شما اضافه شد. از آقایان معذرت میخواهم که وقتشان گرفته شد.

یکی از نمایندگان - بالاخره موضوع مهمی بود باید می‌گفتند.

رئیس - البته، مهم بود ولی من وظیفه خودم را انجام میدهم من میدانم مطالب مهمی را فرمودند که لازم بتذکر بود ولی خوب، اصول را هم باید رعایت کرد.

انصاری - آقای محمدعلی هادی نجف‌آبادی بفرمائید.

محمدعلی هادی نجف‌آبادی - چون آقای کیاوش مطلب مهمتر و فوری‌تری دارند بنده و قتم را به آقای کیاوش میدهم.

یکی از نمایندگان - آقای دکتر سعیدی بنده چهار مرتبه از جنابعالی خواهش کردم بیایم صحبت بکنم و شما وقت صحبت کردن به بنده ندادید.

رئیس - بنده گفتم. آقا شما باید ثبت نام بفرمائید نوبت جنابعالی که شد تشریف بیاورید صحبت کنید، این همه تذکر داده شده است.

انصاری - آقای محمدعلی هادی نجف‌آبادی بفرمائید.

هادی نجف‌آبادی - عرض کردم چون آقای کیاوش مسأله فوری‌تری دارند لذا بنده و قتم را به ایشان میدهم.

انصاری - آقای کیاوش بفرمائید.

کیاوش - بسم الله الرحمن الرحيم، یادداشتی است از طرف آقای بیات نماینده اعزامی امام به تکاب شکایتی است از طرف اهالی که بنده میخوانم و بعد مسأله‌ای که مربوط به زاهدان است طرح میکنم «بطوری که کلیه ارگانهای اجرائی از مقام محترم ریاست جمهوری و سپاه پاسداران تهران و فرمانده نیروی زمینی اطلاع دارند قریب یک هفته است که گروه پنجاه نفری از نمایندگان اعزامی از تکاب به تهران متقاضی رسیدگی به بحران روستاهای تکاب، احمد آباد یارضی، چراغ تپه، حسن‌آباد درمشوران و غیره هستند که از شمال و شمال شرقی از طرف حزب منحل دموکرات و کوموله مورد حمله و ایداه و اذیتند فعلاً بیش از چهار هزار نفر در تکاب سرگردانند و تاکنون به شکایات هیچکدام رسیدگی نشده است وضع قصبه پلید در اطراف زنجان نیز ناامن است و خرمنها مرتب آتش زده میشود آژولویای امور رسیدگی فوری را میخواهند.

نماینده امام - آقای بیات

در ضمن از روزنامه‌ها هم گله کرده‌اند که چرا این را منعکس نکرده‌اند اما مسأله‌ای که مربوط به زاهدان است و من دیروز شاهد آن بودم حرکت یک هواپیما است از زاهدان که بنا بود ساعت ده و پنجاه و پنج دقیقه از بانده زاهدان حرکت کند موقع حرکت خانم خدمه جلو مسافری شکلات آورد یکی از مسافری پاسداری بود که نشسته به خانم خدمه تذکری میدهد که آیا دستور امام باید در هواپیمائی هم اجرا بشود که این وضع متناسب هواپیمائی اسلامی نیست، خانم خدمه بدون هیچ مسأله دیگری برمیگردد یک اهانت خیلی مهمی میکند به پاسدار که من از گفتنش شرم دارم در صورت جلسه‌ای که هست و در حدود سی چهل نفر امضاء کرده‌اند الان موجود است و برخلاف موازین بین‌المللی هواپیمائی که نباید کسی در آن موقعیت برخیزد و از جایش حرکت کند میروم کتابین خلبان را باز میکند و خلبان هم مثل شاگرد شو فرها هواپیما را نگاه میدارد و در کتابین را باز میکند. و بیاید و تقاضا میکند که پاسدار به علت اغتشاش



بعد از اینکه طرف اعتراض دفاع خود را کرد بلافاصله مجلس رأی خواهد گرفت آقایانی که مایل هستند در این باره صحبت کنند خواهش میکنم خودشان را معرفی کنند.

هادی - من پیشنهادی دارم و آن این است که خود مخبر کمیسیون تحقیق همانطور که فرمودند موارد را توضیح بدهند.

رئیس - شما بفرمائید که جزو مخالفین هستید و آیا میخواهید مطالبی را مطرح بفرمائید یا نه؟

هادی - من الان به کمیسیون تحقیق رفتم و پرونده را خواستم ولیکن متأسفانه پرونده از این کمیسیون به هیأت رئیسه رد شده بود و من آنرا ندیدم خواهش من این است که آقای دکتر یزدی آن موارد را توضیح بفرمایند و مسائل را مطرح کنند تا ما بدانیم که باید چگونه رأی بدهیم و داریم به چه کسی رأی میدهیم.

رئیس - بنابراین شما میخواهید بعد از صحبت آقای دکتر یزدی صحبت بفرمائید؟ بدین طریق اصلاً مخالفی نیست و فقط خود آقای دکتر یزدی موارد را بیان خواهند کرد و آقای مطهری در دفاع از آقای دکتر یزدی صحبت خواهند کرد.

منشی - آقای محمدی مخالف هستند.

رئیس - پس آقای دکتر یزدی شما اجازه بفرمائید ایشان صحبتشان را بکنند بعد شما بفرمائید.

دکتر یزدی - قبل از اینکه برادرم صحبت کنند لازم میدانم که به استحضار مجلس محترم برسانم دلایلی وجود دارد که کمیسیون تحقیق در بعضی از موارد وقتی گزارش خودش را خدمت مجلس تقدیم می کند در متن گزارش بعضی از مسائل عنوان نشود و تشخیص اینکه این مسائل عنوان بشود یا نه به عهده مجلس است همانطور که ملاحظه فرمودید در کمیسیون که بحث شد نظر کمیسیون این بود که موارد را در مورد این گزارش بخصوص مادر این جا عنوان نکنیم، مگر اینکه خود مجلس درخواست کند، ولی این شهودی که کتباً این مطالب را نوشته اند در اینجا هست.

رئیس - آقای محمدی بفرمائید.

محمدی - بسم الله الرحمن الرحیم، با حضور نمایندگان ملت.

حیدری - اجازه بفرمائید بنده پیشنهادی دارم.

رئیس - خیر آقا الان اصلاً پیشنهاد مطرح نیست بگذارید مخالفتشان را بفرمایند بعداً اگر پیشنهادی داشتید بفرمائید.

حیدری - این یک مسأله اخلاقی است.

رئیس - شما بعد از مطلب ایشان تذکرتان را بفرمائید.

طباطبائی - چون با موازین اخلاقی ممکن است ناسازگار باشد آقایان موافقت بفرمایند که در این مورد کوتاه بیایند.

رئیس - آقای محمدی بفرمائید.

محمدی - بسم الله الرحمن الرحیم، به حضور نمایندگان محترم ملت من آقای مطهری را هنوز قیافه شان را نمی شناسم و نمیدانم چه کسی هستند پرونده ایشان در شعبه هفت که من هم یکی از اعضاء آن شعبه بودم مطرح شد بعد در آن جا مسائلی را طرح کردند که بعداً در گزارش آورده نشد و فقط به عنوان مسأله نقص انتخاباتی ظاهراً مطرح شد من در آخرین گزارشی هم که داده شده متأسفانه حضور نداشتم، اما در آن جا مطالبی را که مطرح میکردند از آن جایی که مسأله حیاتی است و به شهید بزرگوار مرحوم مطهری که بر ما منت بزرگی دارد و ایدئولوگ اسلام هست مربوط میشود من وظیفه شرعی خود دانستم آن چه را که آن جا دانستم و آقایانی که گفتند عادل میشناسند و بیان کردند در اینجا به عرض شما برسانم. در آن جا گفته شد که ایشان با استفاده از نام مرحوم شهید مطهری رفته اند به منطقه و مردم به دلیل برادری ایشان، سوابق ایشان را گفتند در تهران دارای محضر بودند و آن اسنادی که آنجا آورده شده بود و بسیار هم ناقص بود ظاهراً در سال ۳۰، پرونده ای از ایشان مطرح بود که جعل سند داشتند و به جرم کلاهبرداری و جعل سند و چیزهای دیگر تحت تعقیب بوده اند، مسأله دیگر آقای محلاتی در آن شعبه مطرح فرمودند که ایشان هیچگونه سنخیت و بستگی با مرحوم شهید مطهری ندارند و گفتند که آقای امامی کاشانی نیز در این مورد مسائلی دارند که خدمت ایشان فرستاده شد و یکی از برادران شعبه رفتند حضورشان و ایشان فرموده بودند که اکنون من فرصت حضور در شعبه شمارا ندارم ولی من هم سنخیتی بین این هالمی بینم. لذا ما که نمایندگان ملت هستیم

رئیس - راجع به غائبین مجدداً باید چند تذکره آقایان بدهم لیستی را که قرائت می کنند، صورتی است که از روی ورقه ای که در سمت راست در ورودی گذاشته میشود آقایان که تشریف می آورند باید آن صورت را امضاء کنند ولی غالباً آقایان فراموش میکنند و باینکه تذکر داده میشود نمیدانم چطور شده است که امضاء نکرده اند یادیر بیایند و این صورت برداشته میشود بنابراین آقایان توجه داشته باشید که این صورت تا ساعت ۹ جلو در ورودی گذاشته خواهد شد باید آقایان تشریف بیاورند و این صورت را امضاء کنند. و چون استخراج غائبین از این صورت میشود غالباً آقایان دیرآمده اند و یا اینکه توجه نکرده اند و این صورت را امضاء نکرده اند اینست که جزو غائبین منظور شده اند مسأله دیگر که باید این جا به عنوان تذکر عرض کنم مسأله غائبین مجاز است خیلی از افراد هستند. البته خیلی که خیر، غالباً تلفن می کنند و یا مکاتبه ای می کنند که محظوری برایشان پیش آمده یا اینکه کسالتی دارند یا اینکه احیاناً مسافرتی رفته اند یا اینکه قبل از تذکر داده اند و اجازه گرفته اند و بهر صورت یک عذر موجهی دارند از جلسه بعد اسامی غائبین مجاز هم که بنا به علتی که یا خود نتوانسته اند بیایند یا اینکه قبلاً اطلاع داده اند که نمیتوانند به علتی حاضر بشوند و هیأت رئیسه هم موافقت کرده است قرائت خواهد شد. و غالباً اینجا متذکر میشوند که ما محظورمان را گفته بودیم و اطلاع هم داده بودیم و حق هم دارند که این موضوع را من در دستور قرار بدهم که افرادی که غیبت با اجازه داشته اند چه کسانی هستند.

هراتی - استدعا کردیم که افرادی را هم که تأخیر ورود دارند اسامی شان خوانده بشود.

رئیس - خوب، آنهم یک بحثی است که بعد درباره اش عمل خواهیم کرد شاه آبادی - بهتر است که بفرمائید اسامی را بردارند سر ساعت ۹ بعد افرادی که تأخیر دارند بروند به کمیسیون تحقیق.

رئیس - بله همینطور عمل میشود به آقایان گفتم که سر ساعت نه ورقه برداشته میشود و افرادی که دیر می آیند خود به خود غایب محسوب میشوند آقای دکتر یزدی خواهش می کنم دو گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبارنامه های دونفر از آقایان را که آماده شده است قرائت کنید. تا وارد بحث بشویم.

۲ - طرح گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبارنامه های آقایان مطهری و اسدالله جوانمردی و رد اعتبار نامه آقای اسدالله جوانمردی

دکتر یزدی - بسم الله الرحمن الرحیم، و به نستین، خواهان و برادران سلام علیکم، گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبارنامه آقای محمد تقی مطهری نماینده فریمان.

پرونده انتخاباتی فریمان و اعتبارنامه آقای مطهری که توسط شعبه هفتم به کمیسیون تحقیق ارجاع گردیده بود در کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت. شهود مطلع و معتبر در کمیسیون حضور به هم رسانیده و موارد متعددی را در عدم صلاحیت ناسبرده ارائه دادند. آقای مطهری در کمیسیون تحقیق حضور پیدا کرده و مطالبی در دفاع از خود ابراز نمودند. کمیسیون تحقیق بعد از استماع توضیحات آقای مطهری و شهادت شهود معتبر به استناد بند ۳ از ماده ۴ قانون انتخابات با اکثریت آراء اعتبارنامه آقای مطهری را مردود اعلام میدارد. موارد مورد بحث و اظهار نظرهای کتبی و شفاهی شهود در صورت تمایل مجلس محترم ارائه خواهد شد. با تشکر مخبر کمیسیون تحقیق

رئیس - آقایان ملاحظه بفرمائید که گزارشی است راجع به رد اعتبارنامه آقای مطهری که قرائت شد و این گزارش از طرف شعبه ناقص تشخیص داده شده بود و در مجلس مطرح شد که از این طریق به کمیسیون تحقیق ارجاع شده است بنابراین مخالف معینی در آن روز نداشته است حالا افرادی که مخالف هستند تا حدود سه الی چهار نفر میتوانند حالا خودشان را معرفی کنند یعنی اجازه بگیرند و وارد بحث در مخالفت خود بشوند، اینجا میخواهم مخصوصاً متذکر بشود که در دو جلسه گذشته در مورد دو اعتبارنامه که مطرح شد شورای مشترک هیأت رئیسه و رؤسای شعب اینطور مصلحت دیدند که اگر افراد سؤالی داشته باشند بعد از آن چند نفری که مخالفت کرده اند سؤال آن ها هم از طرف شخصی که مورد اعتراض است جواب داده شود. ما هم همینطور عمل کردیم. اما متأسفانه طرح سؤال ها غالباً یک زمینه مخالفت دیگری بود و سؤال نبود و به اسم سؤال مطرح شد که اثر نامطلوب کرد بنابراین الان اگر کسی به عنوان مخالف مطلبی دارد خودش را معرفی کند و بیاید و صحبت کند.

و مرحوم شهید مطهری که الان روح ایشان حاضر و ناظر است و نشستن من و شما در اینجا از خون آن‌ها و از فداکاری آن‌هاست. اگر این چنین است که بنام آن شهید و بنام آن بزرگ برادری که سختی با او ندارد می‌خواهد وارد مجلس بشود ما اینجا باید پاسدار خونشان باشیم البته اگر چنین باشد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

رئیس - آقای دکتر یزدی بفرمائید.

منشی - آقای موسوی تبریزی شما مخالف هستید؟

موسوی تبریزی - بلی.

رئیس - قبلاً باید آقایان بگویند نه این که به تدریج مجموعاً بفرمائید.

چند نفر هستند.

منشی - همان دو نفر هستند آقای موسوی تبریزی هم اسم نوشته اند.

رئیس - وقتی که من ابلاغ کردم کسی اظهار نظر نکرد حتی آقای محمدی هم بعداً گفتند. و اینکه بتدریج مطرح میشود این درست نیست. قبلاً بایستی معین بشوند. معذک آقای موسوی بفرمائید.

معصومی - پیشنهاد میکنم با اعتمادی که به گروه تحقیق دارید لطفاً رأی بدهید.

رئیس - تا موقعیکه خود طرف اعتراض دفاع نکند رأی گرفته نخواهد شد، باید قبلاً خود ایشان بیایند و دفاع کنند.

یعنوردی - باید همه مطالب گفته شود.

یکی از نمایندگان - استدعا میکنم آقای دکتر یزدی پاره‌ای از آن موارد را که فرمودند توضیح بفرمایند.

رئیس - بعد از اینکه آقای موسوی که صحبت شان را کردند منم قبلاً نشیده بودم که بخواهند به عنوان مخالف صحبت کنند ولی حالا میگویند که قبلاً تقاضا کرده‌اند. بعد آقای دکتر یزدی توضیح خواهند داد و بعد هم از خود آقای مطهری خواهم خواست که تشریف بیاورند و دفاع کنند.

خرزاعی - اجازه بدهید آقای رئیس چون من منشی شعبه هفت بودم که این پرونده بررسی شود باید عرض کنم که پرونده آقای مطهری به علت نقص انتخاباتی رد نشده است، بلکه به علت عدم صلاحیت ایشان رد شده است.

رئیس - خیلی خوب این هارا قبلاً هم گفتند. آقای موسوی بفرمائید. موسوی تبریزی - بسم الله الرحمن الرحیم، البته بنده که یکی از اعضاء کمیسیون تحقیق هستم از برادران و خواهران محترم خواهش میکنم که به این آیه شریفه عمل نکنند، لا تسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم.

طبق وظیفه شرعی و حجت شرعی که اغلب آقایان نمایندگان محترم بلکه کلاً، ان شاء الله عمل می‌کنند و عمل خواهند کرد فقط این مقدار بدانید طبق آن ماده‌ای که آقای دکتر یزدی فرمودند. نقص انتخاباتی هم دارد و در پرونده منعکس شده است که از نام شریف آیت الله، شهید مطهری استفاده شده است تقریباً مردم اغفال شده‌اند که ایشان برادر شهید مطهری است و رأی داده‌اند این نقص انتخاباتی را هم دارد ولیکن رویهم رفته مسائل در اینجا مطرح شد مخصوصاً بعضی از مسائل، مسائل خانوادگی بود، لذا من برای خودم وظیفه دانستم که این را بعد هم که شما بدانید که اعضاء کمیسیون تحقیق به اتفاق آراء این پرونده را رد کردند یعنی رأی که گرفتند یک نفر مستمع بود و موافق نداشت یا رد کردند یا مستمع بودند، یک نفر دونفر مستمع بود کسانی هم که آنرا رد کردند خواهران و برادران محترم بدانند که بوظیفه شرعی خودشان عمل کردند و خواهش می‌کنم مسأله را تعقیب نکنید تا خودشان بیایند و دفاع بکنند، این توضیح من است حالا اگر قبول دارید طبق شناسائی خودتان که از این آقای محترم دارید یعنی از آقای محمد تقی مطهری رأی بدهید. والا مسائل را تعقیب نکنید، والسلام علیکم ورحمة الله.

رئیس - آقای دکتر یزدی شما فرمایشی ندارید؟ (یکی از نمایندگان - سؤال هست) سؤال که نمی‌خواهیم مطرح کنیم آقای دکتر یزدی شما اگر مطلبی دارید بفرمائید بعد بلافاصله از آقای مطهری خواهم خواست که تشریف بیاورند و دفاع لازم را بکنند.

دکتر یزدی - من فقط توضیحاً اضافه میکنم که آن چه را که ما را به این جمع بندی رساند یک اسناد موجود در پرونده انتخاباتی و شهودی است که شفاهاً و کتباً از علمای خراسان و تهران، در دادگستری، از دادسرای دادگاه انقلاب، و از اعضاء خانواده مطهری من جمله از برادران ایشان و همچنین از اعضاء خانواده مرحوم مطهری.

صدر حاج سید جوادی - آقایان توجه بفرمایند که بعضی مطالب از طرف آقای دکتر یزدی عنوان خواهد شد و بعداً از طرف آقای مطهری دفاع خواهد شد. اگر جلسه خصوصی بشود بنظر بنده آقایان کاملاً به مسائل روشن خواهند شد و حتی هم از آقای مطهری توضیح نخواهد شد.

دکتر یزدی - چون در متن گزارش کمیسیون تحقیق آمده است که این اسناد هست و طرحش با اجازه مجلس محترم خواهد بود در صورتیکه مجلس چنین امری را تصویب کند آنوقت مطلب آقای صدر مطرح خواهد شد که جلسه خصوصی تشکیل بشود.

رئیس - آقای مطهری بفرمائید.

رضائی - آقای دکتر اجازه می‌فرمائید. بنده می‌خواستم عرض کنم که مسأله‌ای مطرح نشده است که ایشان بخواهند دفاع کنند. بنابراین کمیسیون تحقیق مسائلی را که مربوط به مسائل ناموس و این چیزها نمیشود مطرح کند زیرا اتهامات مشخص نشده است که ایشان دفاع کنند.

رئیس - خود آقای مطهری میدانند که از خودشان دفاع کنند یا دفاع نکنند.

رضائی - جناب آقای دکتر سحابی موارد اتهام ایشان مشخص نیست، چه کسی به ایشان حمله کرده که ایشان دفاع کنند از چه چیزی میخواهند دفاع کنند.

رئیس - خود ایشان بهتر میدانند. بفرمائید آقا. کمی صبر کنید بگذارید خود ایشان توضیح بدهند.

حایری زاده - مآکه چیزی نمیدانیم. بعد از دفاع ایشان هم کسی حق صحبت ندارد چرا دیگر این کار را نکردید شما استئنا قائل شده‌اید. چرا در مورد نمایندگان دیگر این کار را نکردید.

رئیس - چه استثنائی قائل شده‌ایم؟ کسی مخالفت نکرده بود آن چه بوده است گفته‌اند و آقا هم دفاع می‌کنند وقتی که کسی مخالفت نکرده است بنده چه بکنم. به زور برای ایشان مخالف بسازم.

منشی - آقای دکتر سحابی من پیشنهاد می‌کنم آقای دکتر یزدی مواردی را که شهود اظهار داشته‌اند این جا بیان کنند تا ما بتوانیم تصمیم گیر باشیم.

قره باغ - صلاح در اینست که جلسه خصوصی باشد و مطالب مطرح بشود بعد رأی گرفته شود.

رئیس - شما آقا تأمل بفرمائید شاید ایشان خودشان بخواهند مطلبی را بگویند و بعداً من به نظر مجلس می‌گذارم که وارد رأی بشویم یا خیر حالا اگر شما خودتان پیشنهادی بکنید من آن پیشنهاد را به رأی می‌گذارم زیرا باید پیشنهادی به من برسد تا من آن پیشنهاد را به رأی بگذارم اینطور متفرق نمیتوانیم تصمیم بگیریم ایشان دفاعشان را میکنند و بعد شما پیشنهاد میدوید و پیشنهاد را به رأی مجلس می‌گذارم.

رجائی - بنده پیشنهاد میکنم که این پرونده یک جلسه به تأخیر بیفتد نمایندگان در خارج از مجلس پرونده را بررسی کنند.

رئیس - بسیار خوب پیشنهادی کردند که بنظر من پیشنهاد معقولی است پیشنهادی که کردند در مورد این که یک جلسه به تأخیر بیفتد آقایان در خارج به عنوان خصوصی تحقیق بیشتری در این باره بفرمایند کسانی که موافق هستند قیام فرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد. گزارش کمیسیون تحقیق راجع به اعتبار نامه آقای مطهری به جلسه بعد موکول شد. آقای دکتر یزدی گزارش کمیسیون تحقیق را راجع به فرد دیگری را قرائت بفرمائید.

یکی از نمایندگان - جناب آقای دکتر سحابی شما اعلام بفرمائید بعد از ختم جلسه تماشاگران بیرون بروند و آقایان این جا بشینند و آقای دکتر یزدی توضیح بدهند.

رئیس - آن یک بحث دیگری است و جنبه خصوصی دارد و ما به آن بعداً عمل می‌کنیم الان اجازه بدهید گزارش کمیسیون را قرائت بفرمایند. جلسه که تمام شد خود آقایان در این باره تصمیم گیری می‌کنند آقای دکتر یزدی بفرمائید.

دکتر یزدی - قبل از طرح گزارش بعدی یک تذکره اصلاحی که اینجا عنوان شد باید عرض کنم رأی کمیسیون تحقیق در مورد فریمان ده مخالف و شش مستمع بوده است. گزارش کمیسیون تحقیق درباره اعتبار نامه آقای اسدالله جوانمردی نماینده میانه.



از ایشان سؤال میکنم آیا این لباس روحانیت را برای خاطر چه پوشیدی؟ اگر شما که ادعای روضه خوانی ابا عبدالله را در سر داشتی و جیره خوار امام زمان بودی آیا صلاح بود با این لباس بنفع طاغوت و طاغوتیان ثناگو باشی. چطور شد ایشان به میانه آمد و کاندیدا شد در حالیکه ایشان مدت بیست سال با کم و زیادش در شهر ارومیه بودند اگر من قضیه را تفسیراً و توضیحاً بعرض برسانم سخن به درازا میکشد نامه‌ای است زنده، برای اینکه یک تیر و دو نشان برای اینکه هم نماینده خلق مسلمان در مجلس باشد و یادی از مهندس مراغه‌ای در مجلس شورا هم باشد. که در مجلس خبرگان بود بعنوان یادگار هم خواسته‌های حزب خلق را در اینجا بیان کند توصیه‌هایی از مراجع و طرفداران حزب خلق، چه در شهر قم و چه در شهرستان میانه که نمونه‌اش را عرض میکنم بنده با شخص ایشان بغض و عداوت و کینه‌ای ندارم حیم برای خدا است، بغض برای خدا است. و ایشان در میانه نبودند که ما روی رقابت، رقابتی منبری و از آن حرف‌هایی که احتیاج به گفتن ندارد، ولی اعمال و رفتار ایشان وسوابق ایشان بنده را وادار کرد بر اینکه مطالبی که گفته‌اند و سند زنده دارد و شنیده‌ام بعرض برسانم:

با توجه به اینکه در شعبه ده بطوریکه مخبر محترم بیان کردند در شعبه ده باتفاق آراء ایشان را رد کرده‌اند حالا باید از مجلس قانونی به کمیسیون تحقیق ارائه شود. که خوشبختانه کمیسیون تحقیق هم واقعیت را بیان فرمود که حالا به اتفاق یا اکثریت رد کرده‌اند. لزومی نداشت اما برای اینکه دنیا بداند و طرفداران ایشان بدانند اگر خودش میدانست که این مقدار پرونده‌اش تاریک است. یوم تبلی السرائر است. اینجا تبلی السرائر نیست. تبلی السرائر مجلس است، ایران است، دنیا است، در پیشگاه آفریدگار این غذاها را که بنام اسلام خورده‌اید چه جوابی خواهید گفت؟ هفده سال با کم و زیادش، روحانیت با طاغوت و طاغوتیان مبارزه کرد شما یک کلمه به نفع رهبر انقلاب سخنی نگفتید سهل است در تضعیف رهبر عالیقدر هم بی تفاوت نبودید و کوشا بودید چرا ایشان به میانه آمده بود با کمال معذرت، شخصیت‌ها بعداً در مجلس روشن خواهد شد هفده سال کسی که برای خدا، برای دین و قرآن رهبر انقلاب را در شهری که دارای سیصد هزار نفر جمعیت داشت با کم و زیادش بودند ولی بنده این افتخار را داشتم و دارم که برای خاطر رضای آفریدگار شما را فرستاده بودند یک تیر و دو نشان هم طرفدار حق و هم برای اینکه یک کرسی از خلق مسلمان در مجلس باشد شما را تحریک کرده بودند (شیخ محمد یزدی - لطف کنید مدارک را ارائه بدهید) چشم، چشم، اظهار نمودند عکس‌های مختلف، در جلسات قبل یک قطعه عکس بود، رد شد، عکسی از شاه دارد و افتخار میکند که با شاه بودم عکسی را به ارومیه فرستاده‌اند و تکثیر کرده‌اند و خدمت و کلاهی محترم قرار داده‌اند، صیادان و جلادان شکنجه‌گران روزگار ارومیه عوض اینکه شب بیست و یکم ماه رمضان در یاد خدا باشد، در فکر قرآن و اسلام و مستضعفان باشد در مجلسی که غضب الهی در آنجا حکمفرما بود با دوستانش عکس برداشتند که موجود است. (رئیس - آقای حججی این عکس تاریخ دارد که منسوب میکنید؟) بلی، البته جناب آقای دکتر یزدی قبلاً تاریخش را بیان فرمودند.

جوانمردی - خودم تاریخش را میدانم.
حججی - دست خطی به خط خودش نوشته. با کمال معذرت اگر وقت تان را بیشتر می‌گیریم و مزاحم میشویم، مذهبی و اسلامی است و دنیا بداند ما تعصب نوعی را به زیر پا گذاشته تنها اینکه این آقای جوانمردی ملبس به لباس روحانیت است (رئیس - آقا از مطلب خارج نشوید) طرفداری نمیکنیم جناب آقای رئیس یعنی میخواهیم به دنیا ثابت کنیم ما اگر کسی در رژیم گذشته با طاغوتیان بودند پرونده ایشان را هم برملا میکنیم بدون اینکه تعصب نوعی داشته باشیم. نامه ایشان را قرائت میکنم «ریاست عالی ساواک آذربایجان غربی جناب آقای تیمسار صیادیان (جلاد) محترماً خاطر مبارک را مستحضر میدارد که اینجانب اسدالله جوانمردی دارنده شناسنامه شماره صادره از میانه در سال جاری تقاضای مدیریت گروه از سازمان محترم اوقاف نموده‌ام سازمان مزبور پس از طی تمام مراحل پرونده اینجانب را به ساواک محترم تهران فرستاده‌اند (خنده نمایندگان) محترم، محترم، (رئیس - قرائت بفرمائید آقا) و از آنجا دستور منع ایشان صادر شده است، مگر گرسنه بودی؟ مگر خداضامن روزی شما نبوده است؟ (رئیس - آقای حججی نامه را قرائت بفرمائید) (خنده

پرونده انتخاباتی میانه و اعتبارنامه آقای اسدالله جوانمردی که توسط شعبه به کمیسیون ارجاع شده بود مورد بررسی قرار گرفت آقای جوانمردی در کمیسیون تحقیق حضور بهم رسانیده و درباره اتهامات وارده توضیحاتی دادند کمیسیون هم چنین از شهود معتبر دعوت نمود در جلسه کمیسیون توضیحاتی را بیان داشتند. کمیسیون تحقیق بعد از استماع توضیحات آقای جوانمردی و شهادت شهود مطلع اعتبارنامه آقای جوانمردی را به اتفاق آراء مردود اعلام میدارد دلایل رد اعتبارنامه به قرار ذیل است.

۱ - عکس‌های متعدد باشاه و یادی رژیم سران ساواک این عکس‌ها برای ارائه به مجلس محترم در پرونده انتخاباتی موجود است آخرین عکس نامبرده با شاه در سال ۱۳۵۶ می‌باشد.

۲ - اجرای سخنرانی در رادیو و تلویزیون ارومیه یا رضائیه سابق در زمان طاغوت و در مساجد در مورد این سخنرانی‌ها کمیسیون تحقیق موفق نشد که نمونه‌هایی از نوارها را بدست آورد. تا درباره محتوای سخنان قضاوت نماید. اما در گزارش ساواک ارومیه در این مورد چنین آمده است که عیناً از روی گزارش صیادیان رئیس ساواک آذربایجان غربی مورخه ۴/۷/۷۰ نقل میشود.

«با مراقبت‌هایی که در این اواخر از وی به عمل آمد مشار الیه در سخنرانی‌های خویش در مجالس و مساجد ضمن تحریک احساسات مردم به میهن پرستی اعمال آن‌عده از افراد به خصوص جوانان را که افکار ضد ملی و کمونیستی و گرایش برخلاف مصالح کشور اقدام می‌نمایند شدیداً مورد انتقاد قرار داده که سخنرانی وی اثرات بسیار مطلوبی در بین مردم به جای گذارده است.»

۳ - اسناد موجود در ساواک آذربایجان غربی حاکی از آن است که نامبرده با ساواک تماس‌هایی داشته است و از طرف ساواک به عنوان روحانی مورد قبول تصویب گردیده بود که همراه کاروان حج برود این اسناد برای ارائه به مجلس محترم در اختیار کمیسیون می‌باشد و اگر چنانچه نمایندگان محترم مایل باشند قرائت خواهد شد.

۴ - آقای جوانمردی بعد از پیروزی انقلاب به عنوان عضو یا یکی از بنیان گذاران حزب جمهوری خلق مسلمان فعالیت داشته است حزب مزبور فعالانه علیه جمهوری اسلامی موضع‌گیری و اقدامات خصمانه داشته است.

علاوه بر موارد بالا کمیسیون تحقیق به مواردی از اغفال و فریب مردم در تبلیغات انتخاباتی و سوء استفاده از اعتقادات مذهبی مردم برخورد کرده است و شهود معتبر در این مورد گواهی داده‌اند با توجه به مراتب بالا کمیسیون تحقیق به اتفاق آراء اعتبارنامه آقای جوانمردی را مردود اعلام میدارد.

با تشکر مخبر کمیسیون تحقیق
رئیس - ملاحظه فرمودید که این گزارشی است که قبلاً از طرف شعبه مردود شده بود و فرستاده شد به کمیسیون تحقیق بنابراین مخالف مستقیمی در ابتدای طرح اعتبارنامه نبوده است، حالا بعد از گزارشی که مخبر کمیسیون قرائت کردند اگر کسی میخواهد در مخالفت صحبتی بکند میتواند اول خودش را معرفی بکند (حججی - مخالفم، غفاری - مخالفم، باباصفیری - مخالفم) عموم آقایان باز هم اگر توضیحی بخواهند و چیزی برایشان مبهم باشد مادامی که آقای دکتر یزدی اینجا تشریف دارند میتوانند از خود ایشان سؤال بفرمایند.

توکلی - گزارشات را که به آن اشاره فرمودند قرائت بفرمائید تا جو روشن بشود.

رئیس - با توضیحی که مخالفین خواهند داد بیشتر شما روشن میشوید آقای حججی بفرمائید.

حججی - اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم. و اما الزید فیدهب جفاناً و اما ما بنفع الناس فیمکث فی الارض بر حسب وظیفه دینی و ملی و بموجب فرمان رهبر عظیم الشان راجع به پاکسازی ادارات و محو آثار طاغوت که از همه مهم تر افرادی که دعاگو و ثناگوی طاغوت و طاغوتیان بودند و عملاً به آنها یعنی به دستگاه‌خاندان کثیف پهلوی ارادتمند بودند از هر قشر و طبقه که باشند باید اخراج گردند مخصوصاً از مجلس شورای اسلامی که با مبارزات پی‌گیر علمای اعلام و مجاهدین و مسلمین و مسلمات ایران و یارخون هزاران شهید راه حق و آزادی و استقلال بدست آمده است و الان ما مشاهده میکنیم که در این مجلس فردی در انتخابات شرکت کرده است که در گذشته در شهر ارومیه در لباس روحانیت در رسانه‌های گروه خبری در رادیو و تلویزیون، عوض اینکه بنفع اسلام و مسلمین سخنرانی کند و من

رئیس - چه موردی هست که غیر از این شده باشد آقای غفاری بفرمائید. هادی غفاری - بسم الله الرحمن الرحيم. من یک تذکر کوچکی دارم من علاوه بر اینکه بعنوان یک نماینده حرف میزنم بعنوان یکی از فرزندان شهدا با شما صحبت میکنم و فرزند یکی از هزاران شهید علاوه بر اینکه نماینده مردم هستم بعنوان یک فرد عادی، فرزند یک شهید، من یک جریان بسیار کوتاهی نقل میکنم و بعد از آن از آقای جوانمردی در مورد عکس سوال خواهم کرد. سال پنجاه و شش بود من با قطار از عجبشیر به تهران میآمدم وسایل زندگی فراوانی همراهم بود تلفن کرده بودم که پدرم بیاید و من را کمک بکند وقتی که قطار به ایستگاه تهران رسید در ایستگاه پدرم را دیدم و قتیکه پیاده شدم دیدم پدرم نمیدانم چه شد که یک مرتبه عبارا بدوش کشیده مثل یک زن که کاملاً بخواهد با چادر خودش را بپوشاند دارد بسرعت از ایستگاه قطار فرار میکند هر چه صدایش کردم پدر، پدر بایستید نایستاد و رفت بهر مکافاتی و بهر جان کنندی بود من وسایلم را آوردم به خانه و در خانه پرسیدم پدر چه بود؟ جوابی که شنیدم این بود «تعدادی از مروجین مذهبی را میخواهند بیاورند (هویدا هم آمده بود) فهمیدم که خبرنگاران میخواهند با یک حقه، با یک شکلی از من هم بعنوان یکی از مستقبلین عکس بگیرند و فرار کردم» ایشان از اینکه بعنوان یک مستقبل جزو چهار نفر سروج مذهبی باشند فرار کردند که سرنوشت شان زندانها و شکنجهها بود. من فقط میخواهم بپرسم جناب آقای جوانمردی که ان شاء الله جوانمردی را با سسمی در این جریان ها توجیه بکنید آیا واقعاً جمله امام یادتان هست که فرمود «آنها را که از لباس روحانیت بر خلاف اسلام حرکت می کنند نمی گویم بکشید می گویم عمامه از سرشان بردارید» شما بعد از این پیام چگونه به خوتان جرأت دادید که با شاه عکس بگیرید من عکس شما را دیدم و به آقایان نمایندگان نشان میدهم شاید ما در حالت نماز چنین خشوعی با خدا نداریم همچون حالت خضوع و خشوعی را با خدائی توانیم احساس کنیم که شما صاف ایستاده اید و دست ها را محکم به شکم بسته اید آنهم در شرایطی که اگر شما غیر روحانی بودید و غیر معمم خدا میداند من یک جمله بیان نمیکنم اما این یعنی چه و در چه شرایطی است. بعد هم با صیادیان عکس گرفته اید اگر همه شما صیادیان را شناسید لاقل قلیلی از شما هستند که صیادیان را در شکنجه گاههای ارومیه بشناسید و بدانند که صیادیان چه جرثومه جلادی بوده است؟ و چگونه زیر ناخن های برادران ما سوزنهای تیز فرو میکرد آنهم در شرایطی که ایشان بر سر قدرتند من فقط این (یکی از نمایندگان - تاریخ عکس را بفرمائید) تاریخ عکس سال ۵۰ یا ۵۱ است پنجاه و پنج سالی است که زنده یاد شهید، سعیدی را کشتند و زنده یادان شهداء کثیری را از حوزه علمیه قم در مدرسه، از طبقه دوم اگر شما ندیده اید حداقل من بعنوان یک طلبه ضعیف دیدم که چه نحوی این طلبه را از دارالشفای به حیاط پرت کردند و چشمهایش از حدقه بیرون افتاد. چه جور؟! البته گزارشات زیادی است که اگر موافقت این گزارشها را بخوانم یکی از آنها اینست «حضور مبارک حضرت سلاله اللهی و سلیل الاطیاب آقای میر محمد توحیدی و خیر الحاج آقای حاج لطف الله محمدی زید عزم ضمن ابلاغ سلام مخلصانه امیدوارم وجود عزیزتان سلامت است جای نگرانی ندارد درخصوص کاندیدای مجلس شورای ملی اسلامی در روز جمعه خواهشمندم خواسته علمای میانه ساکن قم تمامی علمای نقابات و حومه ترکمان چائی و کاغذ کنار ولیکائولو وغیره و چند تا اسم دیگری است که مورد تأیید آقای حاج شیخ باقر ترکمن و آقای حاج شیخ هادی نیری نیز با تمایل حتمی حضرت مستطاب آیه الله العظمی شریعتمداری شخص بر جسته و از هر جهت لایق جناب آقای حاج شیخ اسدالله جوانمردی را با کمال جدیت بی پروا رأی بدهند نگذارند اعمال نفوذ بکنند مخلص شما الاحقر حاج شیخ علی آقا پور خانقاهی، این آقای خانقاهی چه کسی است؟ که قرار بود آقای میانعلی توجیه کنند، فرصت نشد. ولی وابستگی به حزب خلق مسلمان باید چنان باشد که اینجا یک پایگاهی هم داشته باشند تا همانطوریکه آقای حججی گفتند آنچه که در مجلس خبرگان از وجود جناب جلالتماب آقای رحمت الله مقدم مراغه ای آنجا بود اینجا خالی نماند من وقت شما را گرفتم عذر میخواهم هر چه کردم که خودم را قانع کنم که چیزی بگویم نتوانستم خدا میداند به ولای علی اشهد بالله که اگر ایشان معمم نبودند شاید من هیچ نمیگفتم اما من دلم میسوزد بحال آن روحانیتی که چه زندانهای فراوان و چه شکنجه های فراوان را تحمل کردند یک نمونه اش

نمایندگان) آقای رئیس شما ناراحت نباشید حالش بسیار عالی است، خوشحال است شما غم و غصه ایشان را نخورید (زننگ رئیس) ایشان سر حال است این حرفها به جایی از ایشان برخورد نمیکند علاقه دارد خودش هم گذشته ها را یاد کند و به یاد صیادیه ها باشد بنده در سوابق خود چیزی نمیدانم که موجب سوء تفاهم باشد جزء اینکه در سفر ترکیه ام (یکی از نمایندگان - آقای حججی مقابل بلند گو باشید که مسبوق باشیم) که در سال چهل و پنج بود جهت مصاحبه به ساواک محترم تهران احضار شدم پس از پایان مصاحبه قرار بر این شد که اینجانب روز و تاریخ حرکت خود را که هوائی است، (از هوا هم میرفت) و یا زمینی است و اگر زمینی هم باشد با کدام شرکت به ایشان اطلاع دهم چون یک هفته به حرکت من باقی بود برای انجام کارهای خصوصی به رضائیه آمدم و چون اینجا وسیله فراهم بود و راه به ترکیه هم نزدیکتر و از آنطرف راهها در زمستان خالی از خطر نبود بنده از این جا به ترکیه حرکت کردم و نتوانستم جریان را به تهران اطلاع بدهم چون تیمسار محترم از سوابق اینجانب به خوبی آگاهی دارند اگر موضوع سوء تفاهم همین باشد که عرض شد رفع سوء تفاهم بفرمائید (دوباره من شاه را در بالای منبر تعریف و توصیف میکنم، اشکال ندارد)، این حاشیه را بنده عرض کردم پس علاوه از آن ماهفت سال استالی است که بعنوان روحانی به حج مشرف میشوم با تقدیم احترام اسدالله جوانمردی ۴/۷/۲۰ (همه نمایندگان) اجازه بفرمائید نامه دیگر را قرائت می کنم «بسمه تعالی شورای روحانیت ارومیه تاریخ ۵/۳/۵۰ بدینوسیله گواهی میشود که آقای اسدالله جوانمردی از طرفداران حزب خلق مسلمان در ارومیه بود و از پیروی خط امام پس از پیروزی انقلاب امتناع میکرد. علمای ارومیه» و حتی بدین جهت از بعضی از مساجد عذرش را خواستند مهر علمای شورای روحانیت ارومیه رضائیه (رئیس - آقای حججی یک ربع وقت تان تمام شد) یکساعت یا نیم ساعت بنده وقت دارم (خنده نمایندگان) (رئیس - خیر اگر متعدد باشد باید یک ربع صحبت بکنید) جناب آقای رئیس شما مگر نمیدانید که ما بالای منبر نیم ساعت را با یکساعت و یکساعت و نیم... شما لاقل صحبت بکنید...

رئیس - خوب درست است ما هم میدانیم عادت تان این است و من از همین جهت بشما تذکر میدهم (خنده نمایندگان)

حججی - من قول میدهم یکساعت صحبت نکنم. اجازه بفرمائید، یک ربع وقت دارم (زننگ رئیس) آقایان هر وقت یک ربع تمام شد اعلام بفرمائید (رئیس یک ربع تمام شد) (خنده نمایندگان) جناب آقای دکتر یزدی اینجا تشریف دارند ریسمان دست ایشان است هر وقت ریسمان را کشید، میگویم تمام شد (رئیس نه دیگر پس بنا بر این زننگ رئیس)

علی اکبر ناطق نوری - آقای حججی، چون وقت تان تمام شد تقاضای ما این است که نظم را رعایت بکنید و بفرمائید بنشینید (همه نمایندگان) رئیس - آقای حججی خواهش میکنم بفرمائید، یک ربع تان تمام شد.

حججی - میفرمائید و تمام تمام شد جناب آقای رئیس اگر خودتان بودید مطلب را ادامه میدادید حالا میفرمائید. اما اگر خودتان بودید که میگوئید بلی، دست بردار نبودید تا حقایق را باز گو کنید. (رئیس - آقایان به اندازه کافی روشن شدند) اجازه بدهید علاوه بر اینکه پرونده ایشان باید روشن باشد و روشنگری بشود بهتر است این آقائی که ملبس به لباس روحانیت است علاوه بر اینکه شعبه ده و کمیسیون تحقیق ایشان را مردود و رد کرده اند بهتر است مجلس شورا از لباس روحانیتی که لباس مقدس و محترمی است از لباس روحانیت هم ایشان را خلع کند تا دیگر روضه خوانی نکنند (تکبیر نمایندگان و تماشاچیان) بسیار خوب من گوش میدهم بشرط اینکه شما هم به حرف من گوش بدهید. (زننگ رئیس)

رئیس - مقدمه قبل از اینکه آقای بابا صفری صحبت کنند غالباً بشنوم تکبیر هائی که گفته میشود تماشاچیان هم مشارکت می کنند به آقایان تماشاچیان اخطار میکنم که هیچ نوع و عملی و بیانی و هیچ عکس العملی در نشستن شان نباید نشان بدهند چنانچه خلاف آن مشاهده شود ناگزیر از نظر مقررات مجلس نسبت به آنها یک امر انضباطی اجرا بشود.

آقا محمدی - چون اداره جلسات با وجود اینکه افراد، وابسته به رژیم هستند احتیاج به دفاع ندارد ولی جلسه باید عدالتش رعایت بشود و آن متانتش حفظ بشود خواهش میکنم که شما رعایت عدالت را در مورد همه، چون میخواهم رأی بدهیم و محیط قضاوت است رعایت بفرمائید.



دادن سوابق و صلاحیت اشخاص» بعهد وزارت کشور است تا حالا چند مورد بوده که اشخاص فاسد اینجا معرفی شدند و خوب است که وزارت کشور اقرار این چند موردی که بعداً می‌خواهد انتخابات را راه بیندازد سوابق را در اختیار حوزه‌های انتخابی مردم بگذارد تا مردم نا آگاهانه به کسی رأی ندهند دیگر من عرضی ندارم - خیلی متشکرم.

رئیس - آقای موسوی چه تذکری داشتند بفرمائید.

موسوی تبریزی - تذکری که خدمت آقایان داشتم مختصر است بدترین و دردناکترین عیب جامعه که تمام بلاها بر سرشان می‌آید جهل و ندانستن شان میباشد فلذا اسلام این همه اهمیت بر علم داده تمام موضوعات یکطرف علم یکطرف و اگر در دو کفه ترازو بگذارید باز هم علم می‌چربد مطلبی را در کمیسیون که آقای دکتر یزدی هم بودند عرض کردم و حالا میخواهم اثر توضیح بدهم که سال گذشته مجلس خبرگان که بود اول کسی که با حزب جمهوری خلق مسلمان ایران نه فقط حزب آمریکائی بلکه حزب تمام ابرقدرتهای استعماری اول کسی که مخالفت کرد من بودم نوارش هم موجود است که نوارش را تحریم کردند و علی رغم عتف تحریم نوارها در سطح ایران پخش شد از طرف حزب خلق مسلمان در تبریز مرکزی که واقعاً مرکز رجال متدین و زندهای متدین است به اسم اینکه اگر کسی بر مقدم مراغه‌ای آن مرد آمریکائی مردیکه مجری سیاستهای استعماری و تمام غلط‌های عالم در ایران بوده اگر کسی بر این مقدم مراغه‌ای رأی ندهد به فتوای فلان آقا زنش برایش حرام است این را در تمام دهات آذربایجان در تمام سطح شهر مخصوصاً آنجاها که مردم سواد نداشتند آنجاها که مردم جاهل بودند از جهل مردم این رقم استفاده شده است که در پرونده آقای جوانمردی هم منعکس است و من در کمیسیون تحقیق که بودم خواندم و به شهادت بعضی از رفقا شنیدم که از قم عده‌ای رفتند و از اطراف میانه و خود میانه منتشر شدند و باز همان بلا را که در انتخاب مقدم مراغه‌ای به سر این مجلس آوردند من نمیگویم ایشان مقدم مراغه‌ای است «استغفرالله» این جهتش را تذکر میدهم که از جهل مردم و از ندانستن مردم سوء استفاده در واقع اغواء هست این اغفال است این جرم در جامعه است این سلب آزادی است سلب آزادی در رأی دادن یک دفعه با توپ و تفنگ و قلدری میشود مثل زمان طاغوت و زمان شاه مخلوع یکدفعه هم سلب آزادی میشود که از جهل مردم استفاده بکند و آدم بگوید اگر به فلان آقا رأی ندادید زن شما مطلقه است و حرام است و لهذا در مجلس خبرگان هم این بوده در این جریان انتخابات میانه هم این بوده است به شهادت بعضی از رفقا که به منبرشان اعتماد دارم. یعنی واقعاً آنها را عادل میدانم این را باید چاره کرد برادران این تذکر من بوده ولی یک جمله دیگر برای شما من بگویم برادران و خواهران محترم بیائید دست بدست هم بدهیم و این طور مطالب را در رابطه با سواد آموزی که امام است ما دارد برایش احترام بیشتری قائل میشود و مردم را یک قدر بسوی علم پیش ببریم که بلکه این صحنه‌ها دیگر پیش نیاید الحمدلله مقدم مراغه‌ای چهره‌اش زودتر شناخته شد و این از افتخارات من است که من مخالفت کردم و صراحتاً هم گفتم که چهره‌اش شناخته شد اگر مردم سواد نداشتند باشند اگر علم نیاموزند از این بدبختی‌ها زیاد به سرشان خواهد آمد والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

رئیس - آقای جوانمردی در دفاع خود مطلبی دارید بفرمائید.

جوانمردی - بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین شاید یکی از علل لزوم اینکه پیامبران باید از عیوب جسمانی هم منزّه باشند این باشد که پیامبران مورد نفرت خلق نباشند چون اگر مورد نفرت خلق باشند مردم روی نفرتی که از آن دارند اصلاً به حرفشان گوش نمی‌کنند که ببینند این حق است یا باطل اتهاماتی که به یک متهم وارد میشود همین حالت نفرت را آن متهم پیدا میکند همان حالت عقده و ناراحتی را نسبت به متهم ایجاد می‌کند که مردم حتی گوش به حرفش ندهند تا ببینند حق میگوید یا باطل و حتی اگر احیاناً حق هم بگوید روی آن اتهامات قبلی مردم شاید به نظرشان باطل یا مسخره تلقی میشود چنانکه در قبل هم بود جناب آقای حججی و آقایان باباصفری و غفاری و دیگران مطالبی درباره من گفتند و خیلی هم قرص و محکم قبل از آنکه من جواب بدهم تا موضع من چه بوده آقایان درک کنند تمنائی که از این مجلس و از این انسی که یکماه است از آقایان دارم فارغ از حب و بغض و نفرت و محبت به عرایض من گوش کنند تا بالاخره رأیشان را آنچه که تشخیص

را و یک جمله‌اش را میگویم برای اینکه یکی از طلبه‌ها در بازجویی‌اش بسم الله الرحمن الرحیم می‌نوشت و منوچهری میزد که بسم الله را ننویس میگفت «نمیشود» من بی بسم الله سخن نگفتم برای این مطلب چند بار شلاق خورد در این شرایط یعنی سال ۵۶-۵۷ حضور شاه هیئت از این مجلس من به شخصه از کیان اسلامی این مجلس دفاع خواهم کرد و معتقدم که این مجلس سرنوشت خودش را میباید خویش به دست بگیرد و نگذارد عناصری که نمی‌توانند خط انقلاب را حتی درک بکنند. سال ۵۵ را همه میدانید چه سالی است؟ سال ۵۶ را میدانید چه سالی است همه شما اهل همین سرزمین هستید والسلام.

رئیس - آقای باباصفری بفرمائید. (حججی - آقای دکتر سجایی من یک تذکری داشتم....) پس اجازه بدهید آقایان صحبت هایشان تمام بشود تذکر جنابعالی بعد.

باباصفری - بسم الله الرحمن الرحیم. لئن اسهل الله الظالم فلن یفوت اخذه و هو له بالمرصاد. صحبت هائی را که من میخواستم بیان کنم خوشبختانه برادرانم تذکر دادند من فقط یک مسأله‌ای را اشاره میکنم و از ریاست محترم مجلس میپرسم که چه خواهد شد؟ بعد از اینکه رأی گیری بعمل آمد و کسانی بعنوان نمایندگان خلقی که شهید داده و مسلمانانی که زیر چکمه دژخیم جان سپردند خودشان را اینجا جا زدند چه خواهد شد؟ بعد رأی منفی و سپس بفرمائید یا اینکه آقای رئیس باید این افراد به دادرسی انقلاب تحویل بشوند مطمئن باشید که اینها در گذشته با لطایف الحیل از چنگ قانون فرار کردند و الان مردم مسلمان ما منتظرند ببینند مجلس شورا که پسوند اسلامی را یدک می‌کشد با اینها چه خواهد کرد مگر در اسلام تبعیض هست که شما تبعیض قائل میشوید؟ مگر پیغمبر تبعیضات را از بین نبرد پس چه دلیلی دارد که برای نماینده فریمان شما جلسه خصوصی قائل میشوید؟ مگر زمان زمانی است که غیر عادی است (رئیس - آقای باباصفری شما در مخالفت راجع به این موضوع صحبت کنید آن یک بحث دیگری است) من تقاضا میکنم فقط گفتم صحبت من برادران کردند. تقاضای من این است که بعد از رأی و سلب صلاحیت از ایشان (هادی نجف آبادی - اگر اکثریت را قبول دارید و تصویب کردند چرا خارج از موضوع صحبت میکنید؟) تحویل دادرسی انقلاب بشوند (همه نمایندگان)

رئیس - آقای رضوی بفرمائید.

رضوی - بسم الله الرحمن الرحیم. بنده پنج دقیقه بیشتر وقت سروران عزیز

را نمی‌گیرم:

«این آخوندهای فاسد از ساواکیها هم بدترند امام خمینی «ولی خوب ایشان مثل اینکه مقام جمع الجمعی دارند که هم با ساواک بودند و هم فساد دارند آقایانی که به میانه تشریف برده باشند اگر از علماء و خواص آنجا سوال کنند کفر ایشان مثل ابلیس مشخص است و دو نفر از علمای میانه مخصوصاً مدارکی را هم ارائه دادند که همین مدارکی بود که اینجا هست و خواهش کردند نمایندگان مجلس به پاس احترام خون شهداء اینگونه افراد را خوب معرفی کنند البته چون پرونده شرح شد. دیگر توضیح واضحی نخواهیم داد ایشان سه جرم مشخص دارد که اگر رئیس محترم دادگاه تبریز آقای موسوی باشند واقعاً ایشان را باید بلافاصله به دادگاه انقلاب جلب کنند.

۱- عکس‌های متعددی که با شاه و عوامل ساواک ملاحظه فرمودید و ثنا گوئی رژیم و دعاگوئی و شرکت در مجالسی که تحکیم مبانی رژیم بود.

۲- عضویت در خلق مسلمان که ماهیتش برای ملت ایران شناخته شد و روی این اساس بنده این دو پیشنهاد را در رابطه با همین موضوع یکی به چه دلیل بعضی از افراد و روحانی نماهائی که در حزب خلق مسلمان فساد کرده‌اند محاکمه و محکوم شدند ولی ایشان حتی تا امروز در جلسه باشد و نسبت به این مطلب باید دقت بیشتری از نظر دادگاه انقلاب اسلامی آذربایجان میشد. دوم اینکه مدارک ایشان را به مردم میانه ارائه بدهند که مردم بدانند مجلس با این مدارک ایشان را طرد می‌کند و بعضی عوامفریبی‌هایی که شده ذهن مردم باز بشود و بالاخره یک اشکال نظیر این در چند مورد به وزارت کشور وارد است که چرا از اول اسناد و سوابق افراد را معرفی نمیکنند تا ملت آگاهانه رأی بدهند بعد اینجا معلوم بشود و این یا در اثر اهمال یا اهمیت ندادن به وضع نمایندگی است که با وجودی که در قانون انتخابات هست که «تشخیص



است که ایشان کاندیدا شدند از طرف حزب جمهوری اسلامی. بمن پیشنهاد کردند، حالا که این طلبه‌ها شما را دعوت کردند شما هم کاندیدا شدید به هوش باشید که اگر کنار نیائید بالاخره کار به درازا خواهد کشید. گفتم چه جور می‌گوئید کنار بیائیم؟ من استعفا بدهم یا قرعه‌کشی کنیم، هر جور که می‌خواهید، بالاخره در مغازه یک فرد روحانی به نام آقای حجی که در میانه کاسب هم هست بنام من به ایشان گفتم شما چه صلاح میدانید من استعفا بدهم یا شما؟ یا قرعه‌کشی کنیم، یا قرار بگذاریم، هیچکس پشت سر دیگری حرفی نزد ایشان گفتند نه من نمیتوانم استعفا بدهم معنی این بود که شما استعفا بدهید من هم ندادم. ولی قرار شد که کسی دنبال دیگری حرفی نزد چون قانون انتخابات گفته بود که هر کسی فضائل اخلاقی خودش را بگوید نه اینکه از دیگران بد بگوید و انتقاد کند. ولی این مدارکی که آقای حجی با آب و تاب نشان دادند از طرف فردی است بنام آقا رضی که طلبه است و همشیره زاده آقای حجی سرپرست حزب جمهوری اسلامی در میانه است این عکس در دهات اطراف و کاغذ کتان و ترکمن چای و تمام این منطقه میانه که کلا دو وکیل می‌خواست همه این عکسها را پخش کردند بعلاوه تلگرافی از آقای خلخالی رسید که آقای خلخالی در آن تلگراف می‌نویسد که «بهوش باشید ملت غیور و مسلمان آنها که تا دیروز حزب رستاخیزی بودند امروز قیافه خود را بزرگ کرده و وارد معرکه نشوند و به روحانی نمایان امثال اسدالله جوانمردی رأی ندهید که اگر رأی هم داده باشید این‌ها را به مجلس راه نخواهیم داد.» من البته به دادسرای میانه شکایت کردم ایشان به شهربانی و شهربانی به مخابرات و مخابرات گفت این چنین تلگرافی نرسیده و دروغ است. ولی من اینجا از آقای خلخالی پرسیدم ایشان گفتند تلگراف نبود و اعلامیه بود که من فرستاده بودم. اینها که بمن می‌گویند شما تقلبات انتخاباتی داشتید این تقلب به اینگونه بود که آقای خلخالی تلگراف می‌فرستد که فلان کس عضو حزب خلق مسلمان است و ضد انقلاب است و به او رأی ندهید و اگر رأی هم داده باشید به مجلس راه نخواهد یافت بعلاوه آن آقا مهدی که رفیق پرو پا قرص آقای اشراقی بود و قهرآشنا با جامعه مدرسین یک اعلامیه به امضای ۹ نفر از جامعه مدرسین را آورده بود که تنها اشراقی صالح است که انتخاب بشود و وکیل مجلس بشود و این اعلامیه که به امضای ۹ نفر از جامعه مدرسین محترم بود در تمام اطراف میانه و شهر میانه و دهات پخش شده در حالیکه آقای خلخالی من را تا امروز نمی‌شناختند که جوانمردی که بود که ضد انقلاب باشد یا عضو حزب خلق مسلمان. فکر می‌کنم آقا مهدی و آقای اشراقی گفته بودند و ایشان هم نوشته بودند که چنانکه خود جامعه مدرسین لابد طبق آشنائی که داشته‌اند نوشته بودند آقایان عنوان میکنند که گویا من سفارش شده‌ام از طرف آیه‌الله العظمی شریعتمداری که اگر کسی به من رأی نداد زنش عقدش باطل است که در این رابطه آقای موسوی مطالبی فرمودند. نه آقا مسأله اینجور نبود. من حتی به آن ۶ نفر آقایان گفتم، آقایان شما که مرا می‌گوئید بیا وکیل بشو، من در حدود ۱۴ سال است در ارومیه ساکن هستم اما غیر از بخش ترکمن چای و کاغذ کتان و اطراف مرانی‌شناسند من این را چکار کنم؟ ایشان گفتند طبق وظیفه ما شما را تبلیغ می‌کنیم این ۶ نفر امضاء کننده گفتند طبق وظیفه ما شما را تبلیغ می‌کنیم. و تمام این اسنادی که شما می‌فرمائید عرض کردم علاوه بر تلگراف آیه‌الله خلخالی و نامه ۹ نفر از جامعه مدرسین که در باره رقیب من آقای اشراقی همه جا پخش شده بود این عکسها هم بر علیه من پخش می‌شد. یعنی در تمام شهر و دهات این عکسها و این مدارک را که الان آقایان بر علیه من خواندند پخش شد. البته در رابطه با عکس من منبرهائی هم از طرف آقای حجی در روز پنجشنبه قبل از ظهر که تبلیغات ممنوع بود در دهی که حدود هزار خانوار باید داشته باشد بنام بالسیل برپا شد. و قرآن بست می‌گیرند و می‌گویند به این قرآن که جوانمردی ساواکی است. بعد در دهی که یک سیدی آنجا بوده دو نفر می‌آیند و قبل از اینکه مطلبی بگویند این عکسها و اسناد را در آنجا پخش می‌کنند آن سید می‌گوید خجالت بکشید قبل از آنکه مطالب خود را بگوئید بر علیه دیگری حرف می‌زنید؟ ایشان می‌گویند والله ما چیزی نداشتیم در دستمان در این سه راه قتلوب آقای حجی اینها را بما داد که ...

عابدین زاده - در مورد دفاع از خودتان صحبت کنید آقای جوانمردی

(زنک رئیس - سکوت نمایندگان)

میدهند. درباره من اظهار بفرمایند زادگاه بنده دهی است بنام غریب دوست در حوالی ترکمن چای که یکی از بخشهای میانه است دوران تحصیلاتم مقداری در تبریز بوده تا ۳۹ و بعد تا ۴۰ هم در قم بودم در سال ۴۰ به علت آشنائی به زبان عثمانی مأمور شدم که بروم به ترکیه و چند ماه در آنجا ارشاد دینی بکنم گذر نامه من را ساواک نداد بالاخره آنطور که ظاهراً یادم هست باوساطت آقای بهادری من را خواستند به خیابان جمشید آباد و آنجا در تاریخ ۴۰ یک مقدار با ما مصاحبه کردند و بردند پیچ شمیران آنجا هم مصاحبه‌ئی کردند و بمن گفتند که آدرست کجاست باید بگوئی من با اینکه میدانستم محل نزولم (یکی از نمایندگان - آن آقای بهادری که گفتید سناتور بوده؟) بله سناتور بوده (یزدی - مأموریتان را هم توضیح بفرمائید) عرض کردم برای ارشاد دینی. رئیس - ادامه بدهید.

یکی از نمایندگان - از طرف چه کسی مأموریت داشتید؟

جوانمردی - از طرف آیه‌الله العظمی شریعتمداری بعد از مصاحبه گفتندحتماً باید بگوئی کجا می‌روی من با اینکه محل نزولم را میدانستم کجاست نگفتم گفتند حالا که نمی‌گوئی تاریخ حرکتت را باید بگوئی من قول دادم ولی من از ارومیه بدون اطلاع تاریخ حرکتت برای اینکه اینها از جای من با خبر نباشند رفتم ترکیه آدرسی که اینجا از من گرفته بودند مدام تلفنی خواستند مرتب جایش کجاست و فلان من سفارش کرده بودم که بگویند که خبری به ما نرسیده و اطلاع ندهند که من کجا هستم و بعد از برگشتن از ترکیه در ارومیه ماندم تا این تاریخ مطالبی پیشنهاد شده بود که اگر آقایان حوصله داشته باشند عرض میکنم یک مسئله اینست که چرا من برای نامزدی و کالت از میانه خودم را مهیا کردم گفتم که چون من زادگاهم میانه بود و هنوز ارتباطم را از زادگاهم قطع نکرده‌ام و بعلاوه به من اطلاع رسیده بود که بخش ترکمن چای را از میانه جدا کردند و بخش کاغذ کتان که مربوط به خلخال بود آوردند جزو میانه کردند و بخش کاغذ کتان و ترکمن چای یکی شده برای یک وکیل.. و از میانه مجزا است و آن آقایان به من پیشنهاد کردند که شما بیائید زیرا در آن جا کسی نیست این کار را عهده‌دار بشود آمده بودم در فرمانداری ثبت نام کنم آقای حجی بودند که درباره من با مسخره و تمسخر مطالبی بیان می‌فرمودند ایشان به استاندار آذربایجان شرقی تلفن می‌کردند که آقا شما چرا ترکمن چای را جدا کردید؟ ایشان می‌فرمودند دستور از وزارت کشور است ایشان پیشنهاد می‌کردند نه، باهم باشد، ایشان می‌گفتند مردم تظاهرات می‌کنند ایشان اینجای پیشنهاد کردند، ما هم تظاهرات می‌کنیم. بالاخره به اصرار آقای حجی آقای استاندار موافقت کردند که انتخابات ترکمن چای که مجزا و مستقل بود از نظر وزارت کشور با میانه یکی باشد. من در خانه نشسته بودم ساعت حدود دوازده نیمه شب بود که از قم برادرانی که با من معاصر بودند بمن تلفن کردند که ما ۶ نفر از محصلین و فضیای میانه و حومه که مقیم قم هستیم چند روزی است طبق سفارش آیه‌الله العظمی گلپایگانی که فرمودند هر کسی شایسته است واجب است خود را کاندیدا کند و هر کسی را شایسته می‌دانید واجب است که به او رأی بدهید ما امضاء کنندگان علماء و فضلا و محصلین میانه که حدود ۶ نفر هستیم به شما واجب می‌کنیم که شما این فریضه را قبول کنید. من گفتم من حال این مسأله را ندارم ایشان اصرار کردند گفتم اجازه بدهید بعد از دو روز جواب شما را بدهم بعد از دو روز گفتم حالا که می‌گوئید حضرات واجب کرده‌اند و ما هم تشخیص دادیم شما شایسته‌اید من قبول کردم ولی یک مسأله است آقای حاج شیخ هادی نیری که یکی از علماء بزرگ میانه هستند شاید ایشان یک سردی را در نظر گرفته باشند شما از ایشان هم اطلاع پیدا کنید ایشان دوباره بمن تلفن کردند و گفتند ما از آقای حاج شیخ هادی نیری سؤال کردیم ایشان گفتند من فرد خاصی را در نظر ندارم اگر ایشان باشد خیلی بجاست ما آمدیم میانه و ثبت نام کردیم خوب میدانید که این مسأله کاملاً مشخص است که منفرد بودیم وابسته به هیچ تشکیلاتی نبودیم در این رابطه بعد از ثبت نام فهمیدیم که طلبه‌ای به نام آقای اشراقی که ایشان هم تابع بخش ترکمن چای هستند یعنی همان بخش ما از حوزه قم آمده‌اند و در میانه ثبت نام کرده‌اند و از جامعه مدرسین محترم فردی بنام حاج میرزا علی احمدی میانکی که من به علم و تقوا و عرفان و شخصیت بزرگوار ایشان خیلی احترام قائلم و من از محضر ایشان استفاده‌هائی کرده‌ام ایشان فرزندی دارد بنام آقا مهدی که رفیق قرص و محکم جناب آقای اشراقی



رئیس - آقای عابدین زاده اجازه بدهید.

جوانمردی - من یک ساعت حق دارم حرف بزنم (توکلی - شما یک ساعت در دفاع از خودتان حق دارید صحبت کنید اینها که میفرمائید دفاع نیست)

رئیس - آقای جوانمردی شما برای دفاع از خود صحبتتان را ادامه دهید.

جوانمردی - شما لابد این داستان مفضل بن عمر یادتان هست که میگوید من در مسجد رسول الله نشسته بودم ، عمران ساوی به رسول الله فحش و ناسزا می گفت من او را فحش دادم ایشان گفت تو اگر مرد کلامی با کلام با ما حرف بزن و اگر از شاگردان امام صادق هستی مثل او باش که او صبر می کرد ، ما تمام این لاطائلات و چرندهای خود را می گفتیم آن چنان گوش میکرد گویی که استدلال ما را قبول دارد بعد از آن که حرف ما تمام میشد ایشان با استدلال و منطق حرف ما را رد می کردند انتظار دارم ای مفضل تو هم مانند امام صادق باشی که شاگرد او هستی . این مجلس که بقول امام ، امام بزرگوار است چکیده فضیلت ملت است روی احساساتی که به خیال خودشان احساسات مذهبی است (همه نمایندگان) کسی که متهم است حق دارد یک ساعت از خود دفاع کند ...

رئیس - ادامه بدهید ، دفاع کنید.

جوانمردی - به آنها که آمدند قضاوت کردند از مجلس بیرون ماندند همدست دادگاه انقلاب هم دارند و اجازه نمیدهند که متهم حتی حرف خودش را بزند .

رئیس - مطلبتان را ادامه بدهید آقا تا وقت دارید میتوانید از خودتان دفاع کنید.

جوانمردی - در این رابطه تبلیغاتی که عکسهای من با ساواک منتشر میشد عکس آقای حججی را که با جمعی از علماء در راه آهن میانه به استقبال شاه رفتند به پیش من آوردند . و گفتند آقا شما این عکس را چاپ و منتشر کنید . من گفتم نمیکنم من نمیخواهم بر مقدرات دیگری دخالت کنم این عکس هست و من به اینجا نیآورده ام و از شما نمایندگان محترم مجلس اجازه می خواهم بیست و چهار ساعت بمن مهلت بدهید که بروم به میانه و عکس این آقا را با تمام تفصیلاتش که با جمعی از علماء به استقبال شاه رفته و از آنجا پیشنهاد کتاب برای کتابخانه اش می کند او هم می گوید به شهربانی مراجعه کنید این عکس آقای حججی که بمن هم خیلی به حالت مسخره می توپید موجود است و خیال میکرد که هیچ پرونده ای از هیچکس رو نشده است منتها ایشان سردی بودند بی مسؤولیت و بدون واهمه و پرونده های من را رومی کردند ولی من خدا شاهد است حتی یک کلمه نه در بالای منبر و نه در تبلیغاتم بر خلاف حقایق اسلامی و شرعی قدم بر نمی داشتم و نمیدارم . بله آن عکس ایشان الان هم هست .

رئیس - آقای جوانمردی در دفاع خودتان صحبت بفرمائید.

جوانمردی - آقا به دفاع هم می رسیم.

رئیس - بله در دفاع صحبت کنید.

جوانمردی - ادعا شد عکسی است که من در رادیو تلویزیون ثناگوی شاهنشاه بودم . باید یکی یکی بگویم یا نه ؟ در مورد مسأله رادیو تلویزیون آقای حقیقت افشار و آقای قره باغی که نمایندگان مردم ارومیه هستند و با من مدتها در ارومیه ساکن بودند اینجا هستند و میدانند که آنجا مردی بود بنام فیاض دبیر بود و بیسواد آمده بود در آموزش و پرورش ارومیه دبیر بود و یک ربع ساعت سخنرانی قبل از اذان ظهر داشت و مردم به او بد و بیراه می گفتند . آنوقت رادیو تلویزیون میگفت که ما چکار کنیم ؟ منبر ما هم گاهی بد نبود پیشنهاد می کردند که فلانی سخنرانی کند از طرف رادیو تلویزیون آمدند پیش من که تو نیم ساعت در رادیو تلویزیون قبل از اذان ظهر سخنرانی کن من گفتم نمیتوانم ، تمام علماء شهر البته اگر اجازه بدهید آقای قره باغی بعد از من این مسأله را میگوید تمام علماء شهر را دعوت کردم گفتم آقا چه می گوئید در مورد این مسأله گفتند ما لازم می دانیم ، بعضی ها گفتند ، واجب است بعضی گفتند این نیمساعت خیلی فرصت خوبی است بعد از شور و مصلحت و موافقت تمام علماء ما قانع نشدیم آمدیم قم محضر حضرت آیه الله العظمی شریعتمداری ایشان گفتند اگر شما را آلت دست قرار ندهند یک روز به مجلس دعا ببرند یک روز

ثنا گویی کنند یک روز بگویند چندم خرداد است و غیره اگر میتوانید خودتان را کنترل کنید و غیر از این گفتار مذهبی به آن ها جواب ندهید عیبی ندارد . ما آمدیم ادامه دادیم تا ۲۹ بهمن که آن اتفاق در تبریز افتاد . من دیگر نرفتم و به منزل آیه الله شریعتمداری تلگراف کردم . ایشان گفتند خودش میدانند مردم هجوم آوردند آقای قره باغی از منزل خودشان به ایشان تلفن کردند که آقا شما جو این منطقه را نمیدانید خیلی ضروری است که فلانی صحبت کند ایشان هم گفتند اگر شما صلاح میدانید و جو را آشنا هستید من مانع نیستم آقای قره باغی بعنوان شاهد عادل هستند و در عین حال که ایشان و دیگران ضروری میدانستند که در این رادیو من سخنرانی کنم اما من نرفتم تا بعد از ۲۲ بهمن و سخن نگفتم تا انقلاب شد و دوباره آمدیم و در حدود ۶ الی ۷ ماه تا قبل از آنکه به مکه مشرف بشویم در رادیو سخنرانی کردیم ایشان جواب بدهند که اگر غیر از سپاه پاسداران که به اینجا گزارش نوشته است یا کسی که در موقع تظاهرات قبل از انقلاب رویه علماء را قبول نمیکرد و الان هم علماء از آنها به همه جا شکایت کرده اند و از آنها به حضور امام شکایت کردند زیرا آنها جوانانی هستند که شما امروز آنها را متناقض می نامید یا همه می نامیم اینها دخالت می کردند من یکی از آنها را سیلی زدم که ایشان الان فرمانده سپاه شده اند و حتی گزارش داده اند و در افشاکری ای که در مورد من رسیده است نوشته اند که ایشان حتی دو نفر را کشته و طرفدار حزب خلق مسلمان و ثناگوی شاهنشاه بوده است بله اگر حساب کنید در این مدت یکسال در رادیو یک کلمه از شاه و طرفداری از رژیم و این مسائل نگفته ام و اگر غیر از انقلاب چیزی گفته باشم حتی حاضر به اعدام هم هستم این مسأله رادیو ، که اسیدوارم که اگر مثل سایرین به من هم اجازه بدهند درباره رادیو و مسائل دیگر یک مقدار از وقتم را به آقای قره باغی میدهم که از من دفاع کنند اما مسأله عکس : مسأله عکس و ساواک مربوط به سال ۴۰ است اینجور است که صانعی تیمساری است فرمانده لشکر ۶۴ ، صد نفر از رجال شهر را دعوت کرده و ۱۸۰ نفر افسر است و در حدود ۱۰ یا ۱۲ نفر عالم ، عده ای از این علماء مربوط هستند به اخباریون . ما با یکی از علماء گفتیم که چکار کنیم برویم یا نرویم ؟ ایشان گفتند استخاره بکنیم اگر صلاح بود و اگر مؤثر بودیم می رویم . قره باغ - جناب جوانمردی شما در این مطلب رو به ما کردید آقایان خیال کردند که من هستم .

جوانمردی - نه شما نبودید گفتند استخاره بکنیم اگر صلاح بود می رویم استخاره کردند و گفتند صلاح هست و رفتیم توجه کنید بدو خوب همین کار بوده ما نمی خواهیم رودر بایستی کنیم و مطلب را پنهان کنیم استخاره کردند خوب آمد رفتیم من آنجا نیم ساعت سخنرانی کردم . گفتم تا به امروز آبدار خانه های ادارات دایر است آیا شما انتظار دارید که مردم بدین نباشند و این تشکیلات را اسلامی بدانند؟ بعد از سخنان من استاندار که آقای دهستانی بود متأسفانه در میانه نوشته بودند وهرام استاندار نظامی و من هم در بحران نشسته ام این مربوط به تاریخ ۴۰ است شب بیست و یک ماه رمضان هم هست ولی در میانه نوشته بودند که نه این در بحران انقلاب بوده و من باور هرام سر میز غذا برای سرکوبی مبارزان توطئه می کردم . بالاخره استاندار گفت کدام اداره بود آبدار خانه دایر بود من گفتم آنچه که من دیدم وزارت بهداشتی و دادگستری بود یکی دیگر گفت فلان اداره هم بود گفت من نمیدانستم من از فردا بخشنامه میکنم که آبدار خانه این ادارات بسته شود موقعی که بیرون آمدیم یکی میگفت که خلاف تقیه است یکی میگفت خیلی شهادت بخرج دادی این مسأله ایست که بوده ، اما مسأله عکس شاه ، توجه کنید (همه نمایندگان) توجه کنید با این احساساتی که در مجلس هست (رئیس - شما مطلبتان را بفرمائید کاری نداشته باشید) اما عکس شاه از این قرار بود که باز جمعی از علماء که البته اشتباه نشود آقای قره باغی در آنجا نبودند در حدود بیست و چند نفر بودند که برای آنها دعوت آمده بود و صحبت شد که ما به فرودگاه برویم یا نه . (همه نمایندگان)

رئیس - آقایان ساکت باشید آقای جوانمردی شما حرفتان را بزنید جواب ایشان را ندهید .

جوانمردی - مسأله این است که خبر دادند شاه ، شاه مخلوع به ارومیه می آید و دعوتی هم برای جمعی از علماء آمده است برویم یا نرویم؟ (همه نمایندگان) بعضی ها گفتند که چون ما مسائل عمرانی داریم راجع به مسائل



می نویسد به ساواک تهران که ایشان یکی از علمای متنفذ است و اینچنین است و... ضمناً نوشته است که ایشان فردی وطن پرست است و علاقه مند به رژیم شاهنشاهی نمیدانم این حرفهایی که آقایان خواندند. شما که می فرمائید آن جاه کم فاسق - بنیاد فتنینوا، چطور شده است که ساواکی که این همه جنایت داشت و همه تان می دانید یک نامه ساواک را مستدل می دانید مرا دعاگوی رژیم ولی این گروه تحقیق کجا رفت در ارومیه پرسید که من دعاگوی رژیم بودم یا نه؟ آقای دکتر یزدی شما که بیشتر از ۶ دقیقه به من اجازه دفاع از خودم ندادید و گفتید که جلسه علنی وقتش رسیده فردا یا دنباله گزارشات و تحقیقات خودت را بگو و فردا هم نگذاشتید که بیایم و صحبت کنم ولی این رقیب من که بمدت سه ماه بر علیه من سخن پرانی کرده نیم ساعت درباره آن از من تحقیقات کردید چه جور تحقیق کردید که بدانید من دعاگوی شاهنشاهی بودم یا نه؟ شما کی رفتید در ارومیه و از مردم تحقیق کردید که واقعا من ثناگوی شاه بودم یا نه؟ این آقائی که در باره من این همه مطالب میگوید مگر در ارومیه بود یا غیر از گزارشی که فقط از طرف سپاه پاسداران که امروز موضعش روشن است.

بجنوردی - چرا ساواک شما را توصیه کرده است. (رئیس - آقای بجنوردی بفرمائید).

جوانمردی - این هم تعیین تکلیف بوده است پنج دقیقه از ساعت گذشته بود که مرا فراخواندند من رفته بعد از پنج دقیقه تحقیق بعد گفتند که وقت جلسه علنی رسید. باید بروید فردا بیایید و فردا هم نگذاشتند ولی رقیبان من و شهود هر کدام نیم ساعت بر علیه من گواهی دادند میگویند این شهود در ارومیه هستند چرا نمیگویند اسم این شهود چیست؟ و این شهود چه کسانی هستند. اما مسأله جامعه روحانیت: اعضای شورای روحانیت هفت نفر است من تحقیق کردم که چهار نفر که رئیس شورا هم اکنون آقای قریشی است که بامن هم عکس است رئیس شورای روحانیت در ارومیه است که الان پاشاه هم صحبت می کند. ایشان با چهار نفر رأی می دهند که من وابسته به حزب خلق مسلمان هستم آنوقت بدون امضاء هم به اینجامی فرستند که من وابسته به حزب خلق مسلمان و از امر امام استناعت کردم. اما مسأله خلق مسلمان ماهیت این شورای روحانیت اینست که رئیس شورای روحانیت قبلاً جناب آقای قره باغی بود و بعد از مسافرت ایشان به تهران آقای قریشی رئیس شورای روحانیت ارومیه شدند که بامن هم عکس هستند و هم پیاله و یا هر اسم دیگری که میگویند و آقایان اسمش را هر چه میخواهید بگذارید. بالاخره، اما مسأله حزب خلق - مسلمان، خلق مسلمان مولوی میگوید «گرچه باشد در نوشتن شیر، شیر» آقای موسوی، خلق مسلمان ارومیه خلق مسلمان تبریز نبود. خلق مسلمان ارومیه تشککش یک طلبه بود.

موسوی تبریزی - مؤسس آن یکی بوده است.

جوانمردی - یک طلبه داشت.

موسوی تبریزی - همان کسی که من و آقای مدنی را گرفت.

رئیس - آقای موسوی خواهش میکنم توجه بفرمائید.

جوانمردی - بیشتر از دوسه هزار نفر هم عضوش نبود من پیشنهاد کردم بیا دفتر این خلق را اداره کن (زنگ رئیس).

رئیس - آقای موسوی خواهش میکنم ساکت بنشینید و آقای جوانمردی شما هم جواب ندهید و مطلب خودتان را ادامه بدهید.

جوانمردی - مسأله خلق مسلمان اینچنین بود که دفتری در آنجا باز شده بود یک طلبه هم آنجا را اداره میکرد به من پیشنهاد کردند و من گفتم کارم زیاد است نمیتوانم گفتند دوماه شما این کار را انجام بدهید تا ما بتوانیم خودمان کسی را پیدا کنیم شما سری بزنید من قول دادم فروردین و اردیبهشت را از ساعت ۱۱ تا یک در آنجا باشیم تا روزی که آقای خسروشاهی و دیگران استعفای دسته جمعی دادند از آن تاریخ اگر کسی یک روز ادعا کند که من در حزب خلق مسلمان بوده ام و هر مجازاتی که دادگاههای انقلابی اعلام کند، حاضر خوب، اول خلق مسلمان هم یک مسأله عادی بود که هیچ کسی هم نمی فهمید که چه جور شده و چی هست. بعد از آنکه مسأله روشد این مؤسسين هم که افراد مشخصی بودند استعفا دادند اگر کسی شهادت داد که من یکروز حتی یک جلسه ستمی در خط مسلمان داشتم بله حاضر به مجازات هستم این هم مسأله خلق مسلمان... (رئیس - دیگر فرمایشی ندارید) عرضی ندارم.

یکی از نمایندگان - من توضیحی دارم راجع به خلق مسلمان (همه نمایندگان).

گورستان و مسائل دیگر هر چه ما بلدوزر و وسایل دیگر بخواهیم اینها می دهند اگر ما نرویم و پیشنهاد اینها را قبول نکنیم، اینها هم در موقع پیشنهاد های ما را قبول نمی کنند. بنا بر این حالا برویم تا ببینیم چه میشود. ما البته رفتیم و من اقرار می کنم که هیچ لزومی هم در اینجا نبوده که من انکار کنم که نه کار خوبی بوده و عذر من هم موجه بوده نه نبوده. رفتیم ولی آنها که ما در کنارشان بقول شما مؤدب به حال خضوع ایستاده ایم آنها که با شاه دارند حرف میزنند آنها در مجلس خبرگان بودند، در مجلس خبرگان برای شما قانون می نوشتند و الان در ارومیه ادعا دارند نماینده رسمی امام هستند و در نبود آقای حسنی نماز جمعه هم می خوانند. بنام آقای قریشی، چطور شده که هیچیک از اینها رو نمیشود و برای آنها قبیح نیست، تنها من یکی مورد هجوم و حمله هستم (بجنوردی - اسمش چی بود؟) اسمشان آقای قریشی که ایشان هم در مجلس خبرگان بودند و هم الان ادعا دارند نماینده امام هستند و بعد از آقای حسنی نماز هم میخوانند بلی هستند (زنگ رئیس)

یکی از نمایندگان - چرا از موضوع خارج میشوید؟ چرا قانون اساسی را بی اعتبار می کنید؟

جوانمردی - چرا شما مجلس را بی اعتبار می کنید؟ (زنگ رئیس) حق دارم حرفم را بزنم. شما حق ندارید اعتراض بکنید بنشینید، بر خلاف قانون حرف میزنید (زنگ رئیس - بنشینید آقا) آقایان من حق دارم حرف بزنم کسی حرف نزند تا سخن من تمام بشود. دفاع می کنم.

رئیس - آقای جوانمردی ایجاد تشنج نکنید دفاع از خودتان بکنید، بفرمائید آقا.

هادی - بنده یک تذکر آئین نامه ای دارم.

رئیس - بفرمائید آقا.

هادی - تذکر این است که آقای جوانمردی یا هر وکیل دیگری که بخواهد از خودش دفاع بکند شما لطفاً اجازه ندهید مسائلی را که موضوعش خارج از بحث مجلس است مطرح کند به آن طرفی که به ایشان اعتراض کرده باید جواب بدهد (رئیس - به ایشان تذکر دادم که تشنج ایجاد نکنند و از خودشان دفاع بکنند) از دفتر امام اینجا کسی نیست که پرسیده شود و توضیح بدهد که آیا اصلاً آقای قریشی نماینده امام هستند یا نیستند.

رئیس - من به ایشان تذکر دادم...

یکی از نمایندگان - جناب آقای سعایی اینجا را اصلاح بفرمائید جناب آقای قریشی نماینده امام اینجا نیستند که سؤال بشود...

جوانمردی - من به ادعای خودش گفتم نه، گفتم که حتماً هست یا نیست (همه نمایندگان)

یکی از نمایندگان - آقای جوانمردی شما که اطلاع کامل ندارید بزبان هم نیاورید.

جوانمردی - اما مسأله حج و ساواک، شاید بیان ما یک مقدار بد نبود در ارومیه بدون اینکه مردم بقول شما به باطن قضیه پی ببرند از سخنرانی ما استقبال میکردند. آنروز که مسأله وزارت کشور بود این حمله داران سعی میکردند آن علمائیکه متنفذند و محبوبیت دارند بدور آنها حاجی زیاد جمع میشود آنها را به حج ببرند و روحانی کاروان بکنند و حقوقشان زیاد بشود و درآمدشان هم زیاد بشود. لذا به ما اصرار میکردند و ما را با خودشان به عنوان روحانی کاروان میبردند. بعد از مسأله وزارت حج و اوقاف پیش آمد باز چون مردم می دیدند که در هر کاروانی که ما هستیم استقبال زیادی هست. این کاروانها ما را به روحانیت کاروان می بردند در آنروزیکه جنگ در لبنان شد و مرغهای لبنانی هم نیامد ما دیدیم که حمله داران این مرغهای استرالیایی را می آورد به حاجی ما میدهد ما اعتراض کردیم که این حرام است گفت نه، چرا قبلاً می دادیم. گفتم نه حرام است. اختلافمان شد گفتم حرام است این کار را نکن، گفت موقعی که شما حمله دار شدید نکتید من میکنم. اتفاقاً سال آینده اش یعنی سال ۱۳۴۵ موضوع استحان و آزمایشی در اوقاف پیش آمد که ما هم رفتیم استحان دادیم و قبول هم شدیم که شما می گفتید اگر دلت میخواهد کسی مرغ حرام نخورد حمله دار شو، ما هم شدیم. و اتفاقاً تمام مراحل طی شد گذرنامه ما را نداد اینچنین که می بینید من نامه ای نوشتم که آقا چرا گذرنامه مرا نمیدهند غیر از این جریان ترکیه من مطلبی نمیدانم که در تهران گذرنامه مرا ندهند مخصوصاً که هفت سال است متوالی به حج میروم. ساواک برای اینکه موقعیت مرا در شهر می شناخت از خودش بر میدارد و

رئیس - آقایان یکی یکی سؤال بفرمائید اینطور باهم همه مطرح نکنید خوب مفهوم نمیشود.

منشی - آقایانیکه سؤال دارند خواهش میکنم اسمشان را بنویسند و بدهند اینطور که مهمه میشود.

حججی - این اتهام به بنده راکه میگویند با شاه عکس دارد باید جواب بدهم.

عده‌ای از نمایندگان - خواهش میکنم به پیشنهاد کفایت مذاکرات رأی بگیرید.

رئیس - آقای قره‌باغ بفرمائید.

غفاری قره‌باغ - بسم الله الرحمن الرحيم، مطالبی که جناب آقای جوانمردی در دفاع از خودشان بیان فرمودند چون قسمتی راجع به روحانیت ارومیه بود واسمی هم از ما بردند لذا من توضیحاتی میدهم. راجع به استقبال از شاه مخلوع در اواخر سال ۱۳۵۶ بود که چند نفر از آمدن این جانور مشؤوم به ارومیه اطلاع داشتیم لیکن از دعوت با استقبال این موجود جرثومه فساد اطلاع نداشتیم بعداً اطلاع پیدا کردیم که چند نفر رفته‌اند با استقبال ایشان بعد از آمدنشان ما در منزل یکی از اهالی ارومیه جلسه تشکیل دادیم و آنها را به محاکمه خواستیم آنجا صحبت‌هایی شد من گفتم استقبال از این شخص تجلیل از ظالم نیست؟ و آیا پیغمبر اسلام نفرموده است که: اذا مدح الظالم اهتز العرش وغضب الرب این در حق شما صادق نیست؟ و رفقای دیگر مطالبی در این زمینه در تقبیح این عمل بیان داشتند یکی از آقایانی که آنجا بود یعنی جزو مستقبلین بود ایشان در آخر گفت من اشتباه کردم و توبه میکنم و این همان آقای قریبی بودند و در این زمینه راجع به آقای قریبی هم این مطلب را اضافه بکنم درست است کسانی که در ارومیه بودند یا اطلاع دارند که جناب آقای سید جلال طاهری اصفهانی و آقای ربانی شیرازی آنجا بودند جلسه‌ای بود که در ارومیه از انقلاب خبری نبود وضع اجتماع آنجا طوری بود که واقعا ما ناسید بودیم که مردم بحرکت دربیایند بالاخره جلسه‌ای بود پیش از نیمه شعبان سال ۵۷ که امام دستور فرموده بودند و اعلامیه داده بودند که نیمه شعبان جشن گرفته نشود صحبت‌هایی که کرده بودیم با آقای ربانی و آقای طاهری بحث این بود که آقای طاهری که از تبعید آزاد شده بودند از من پرسیدند که آیا من مسجد بروم نماز بخوانم و چند مسأله را بگویم و برگردم بنشینم منزل یا وظیفه دیگری هم دارم من گفتم که ظاهراً فعلاً مسؤولیتی غیر از اینها داریم این وظیفه مانیست که فقط با چند نفر نماز بخوانیم و برگردیم منزل این برای ما فعلاً درست نیست باید حرکتی کنیم ایشان فرمودند شما چرا حرکتی نمیکنید؟ گفتم ظاهراً من خودم را مقصر میدانم رفقای از اهل علم ارومیه در آنجا بودند بعد از جلسه که بسیار هم طول کشید تا آمدیم رفقا گفتند آیا دانستی که جلسه چی بود؟ گفتم نه من احساس میکردم که آقای طاهری که آزاد شدند برای تودیع و این مسائل است گفتند نه جلسه جلسه محاکمه بود گفتم اگر من از اول میدانستم که جلسه جلسه محاکمه بود اقرار به جرم میکردم مسأله طول نمیکشید. ما مقصریم گفتند که چقدر از ماحرف شنوی دارند ما به چه کسی حرفهایمان را بزنیم مگر مردم از ماحرف میشنوند تا ما مقصر و مسؤول باشیم گفتیم چاره‌ای نیست مگر اینکه بگوئیم بالاخره آمدند دو روز به نیمه شعبان مانده بود با آنکه امام اطلاعیه‌ای داده بودند من یک اطلاعیه دادم بمناسبت نیمه شعبان و مردم را دعوت کردم به مسجد خودم و هیچ امیدی از مردم نداشتم که واقعا مردم جمع بشوند و بیایند و حرف‌هایی که من دارم بشنوند و لذا در ذیل برگهای اطلاعیه بمناسبت میلاد امام زمان قید کرده بودم مسائلی و مسؤولیت‌هایی که در ارتباط با امام زمان داریم برای شنیدن اینها موظفید که در مسجد حاضر شوید مردم هم بحمد الله ریخته بودند در مسجد و خیابان مجاور مسجد و همه جا پر شده بود و برای اولین بار بود که در ارومیه یا آذربایجان غربی اسم از امام است برده شد و مسائل بسیار آنجا گفته شد و حرکت از همان تاریخ شروع شد که آقایان دیگر هم دنبالش را گرفتند و همکاری کردند آقای قریبی انصافاً در انقلاب با اینکه خوب ما هم چیزی بودیم اما آقای قریبی انصافاً در انقلاب با تمام توان و قدرت و بعد از انقلاب تا به این تاریخ تمام توان و قدرتش وقف بر انقلاب است این را وجداناً من

شهادت میدهم (بجنوردی - یعنی وقتی شما شروع کردید خفقان بود؟)
رئیس - اجازه بفرمائید آقا و تأمل بفرمائید تا من توضیح بدهم این که آقای قره‌باغ شما مجاز شدید که اینجا تشریف بیاورید برای این بود که خود آقای جوانمردی بعنوان تکمیل دفاع خواستند که شما مطالبی بگوئید. من در صحبت‌های شما مطالبی راجع به دفاع نشنیدم.
قره‌باغ - چون راجع بمن و آقای قریبی مطلبی بود خواستم اول اینها را بگویم.

رئیس - ملاحظه بفرمائید این دور از انصاف است شما باید در دفاع اگر مطلبی دارید بفرمائید.

قره‌باغ - اجازه بفرمائید عرض میکنم من راجع به آقای جوانمردی میخواهم توضیح بدهم که مطلب چیست؟ والا من دفاع از آقای جوانمردی را بعهدہ نگرفته‌ام.

رئیس - پس اگر شما دفاع نمیکنید بفرمائید بنشینید. (قره‌باغ - اجازه بدهید توضیح بدهم).

بجنوردی - کسیکه تا سال ۵۷ منحرف بود....

قره‌باغ - نه منحرف نبوده ابداً آقایان مسأله این بود، مسأله آقای جوانمردی این بود مسأله عکس با صیادیان و شاه و امثال اینها و مسائل دیگر هم که شاید باشد بود، آقای جوانمردی شخص مستقلی نبود آقایانی بودند آنجا که ایشان را بدنبال خود میکشیدند و میبردند اینک خودش احساس تکلیف بکند وجداناً اینطور نبود.
منشی - آقای قره‌باغ وقت شما تمام شده و در ضمن شما از ایشان دفاع نمی‌کنید، شما از نظر آئین نامه حق صحبت کردن ندارید.

رئیس - آمدن شما در جهت دفاع از ایشان بود (باباصفری - تذکر آئین نامه‌ای دارم) بفرمائید.

باباصفری - اگر ایشان بعنوان مدافع صحبت نمیکند اساساً آمدنشان چه لزومی داشت؟

رئیس - من هم همین موضوع را متذکر شدم.

قره‌باغ - آمده‌ام باین معنا بگویم آقایان ایراداتی که کردند ناواردند من در این قسمت حق دفاع داشتم یعنی من خودم را صالح میدانم که از ایشان دفاع کنم عکس هست، استقبال هست صیادیان هست و دعوتش هست و مسایل دیگری هست راجع به شورای روحانیت من میگویم نامه‌ای که شورای روحانیت نوشته‌اند، جناب آقای جوانمرد من اطلاع دارم که وجداناً نامه شورای روحانیت عادلانه‌ترین و بیطرفانه‌ترین نامه است برای اینکه آنها چیزی نگفتند آنها گفتند که شما جلوتر از حزب خلق بودید بعداً هم (زنگ رئیس - همه‌همه نمایندگان) از خط امام پیروی نمیکردید اما ذاتاً ایشان را مسلمان میدانم بهرحال آقای جوانمردی را ذاتاً مسلمان میدانم و اسلام میتواند از او استفاده کند اگر احساس استقلال در خودش بکند فرد فعالی است و قابل استفاده آن مقداری هم که در ارتباط با آقای صیادیان و با کاروان رفتند (زنگ رئیس - همه‌همه نمایندگان)

رئیس - آقایان اعلام رأی میشود و مطلب دیگری نمیشود گفت فقط آقایان رأی بدهند اوراق رأی را بین آقایان توزیع کنید.

رئیس - خواهش میکنم روی کارتها چیزی مرقوم نفرمائید زیرا کارتها بی‌نام است و رنگ رأی خودش نشانه موافقت یا مخالفت یا امتناع است.

(همه‌همه نمایندگان)

منشی - کارت کبود علامت مخالفت است و کارت سفید علامت موافقت و کارت زرد علامت امتنع است لطف بفرمائید اسمتان را در روی کارتها بنویسید.

(اخذ رأی بعمل آمد و نتیجه بشرح زیر اعلام شد)

رئیس - آقایان توجه بفرمائید نتیجه آرائی که داده شده است از این قرار است عده حاضر در جلسه طبق آرائی که داده‌اند ۱۹۵ نفر، مخالف ۱۴۷ رأی، موافق ۷ رأی، امتنع ۴ رأی بنابراین اعتبار نامه آقای جوانمردی رد شد (تکبیر نمایندگان)

۳ - پایان جلسه

رئیس - توجه بفرمائید جلسه تعطیل میشود جلسه رسمی فردا ساعت ۱ صبح خواهد بود.

(ساعت ۱۲ جلسه پایان یافت)

رئیس سنی مجلس شورای ملی جمهوری اسلامی ایران - دکتر دین‌الله سعیدی